

نسل‌مانا

ماهنامه نابینایان / سال اول / شماره ۵ / اردیبهشت ۱۴۰۱



برخی عناوین این شماره:

* بررسی راه‌اندازی روزنامه‌ی ویژه‌ی نابینایان، بدون حضور نابینایان

* فردایی روشن برای نسل امروز؛ پای صحبت‌های یک زوج نابینا

* روابط عاطفی؛ از آشنایی تا تنظیم قرار ملاقات

* چگونگی مهمانی رفتن افراد نابینا و کم‌بینا

* نسل مانا، مهمان روس‌ها در نمایشگاه اینوتکس

فهرست

همکاران این شماره

نویسندگان: فاطمه جوادیان، شهرزاد حسینی، امیر سرمدی، ابوذر سمیعی، منصور شادکام، رقیه شفیعی، مسعود طاهریان، موسی عصمتی، یدالله فرزین ستوده، میرهادی نائینی‌زاده، امید هاشمی و زهرا همت

مترجمان: میثم امینی، امین عرب و امید هاشمی

ویراستار: داوود محمدی

ویراستار بریل: روح الله رنجبر

طراح لوگو و جلد: ترانه میلادی

عوامل تهیه و تدوین پادکست‌ها: اشکان آذرماسوله، امیر سرمدی، منصور شادکام، مسعود طاهریان، میرهادی نائینی‌زاده و امید هاشمی

گوینده نسخه صوتی: زهرا همت

طراحی و پشتیبانی وبسایت: سعید درفشیان

تنظیم نسخه‌های الکترونیکی: زهرا همت

مدیر شبکه‌های اجتماعی: امیر سپهری

مدیر صفحه اینستاگرام: اعظم چلوی

چاپ بریل: بخش نابینایان کتابخانه مرکزی یزد

صحاف: ماهرخ تجا

توزیع: اداره کل پست استان یزد

حامیان مالی: بانک مسکن، فناوا کارت، پکتوس

با سپاس از همراهی علی‌اکبر جمالی، مدیرعامل انجمن نابینایان ایران

بررسی راه‌اندازی روزنامه ویژه نابینایان بدون حضور

نابینایان ۲

نسل مانا، مهمان روس‌ها در نمایشگاه اینوتکس ۵

گزارش عملکرد انجمن نابینایان ایران (اردیبهشت

۱۴۰۱) ۷

پیشخوان: مروی بر نشریات و پادکست‌های

انگلیسی‌زبان ویژه آسیب‌دیدگان بینایی ۹

نقش محوری آموزگاران کودکان آسیب‌دیده بینایی در

آموزش و پرورش امروز ۱۳

علوم دسترس‌پذیر؛ شیمی ۱۰۱ ۱۶

فردایی روشن برای نسل امروز: پای صحبت‌های یک

زوج نابینا ۱۸

دانش‌آموزان رهاشده در نظام آموزش و پرورش

استثنایی ۲۱

مهمانی رفتن افراد نابینا و کم‌بینا ۲۴

بر مدار مدار صفر و یک: گفت‌وگوی نشریه نسل مانا با

شادیار خدایاری؛ برنامه‌نویس نابینا و دارای مدرک

کارشناسی ارشد مهندسی نرم‌افزار کامپیوتر ۲۷

روابط عاطفی؛ از آشنایی تا تنظیم قرار ملاقات ۳۰

تازه‌های کتاب صوتی ۳۳

یادی از بنیان‌گذار تعلیم و تربیت نوین نابینایان در

ایران، مرحوم دکتر حسن علوی چشم‌پزشک ۳۶

من تشنه‌ام ۳۷

نقدی مغرضانه بر میزان شایسته‌سالاری در جامعه

نابینایان ۳۸

بررسی راه‌اندازی روزنامه ویژه نابینایان

بدون حضور نابینایان

امیر سرمدی: مدیرمسئول

درباره مسئله ایران سپید بارها نوشته و گفته‌ایم؛ اما بهانه‌ای که دست‌مایه نوشتن این یادداشت شد، جلسه مشترک دو مدیر مرتبط، مدیرعامل مؤسسه مطبوعاتی ایران با رئیس سازمان بهزیستی در خصوص روزنامه ایران سپید بود. یازدهم اردیبهشت‌ماه خبری با تیتراژ «راه‌اندازی مجدد روزنامه ایران سپید بررسی شد»، روی خروجی وب‌سایت سازمان بهزیستی کشور قرار گرفت.



در این خبر خواندیم: «علی محمد قادری، رئیس سازمان بهزیستی کشور در دیدار با محمدحسن روزی‌طلب، مدیرعامل روزنامه ایران در خصوص بازگشایی روزنامه ایران سپید، به‌عنوان اولین روزنامه بریل در ایران به بحث و تبادل نظر پرداخته‌اند و مقرر شده است مقدمات و شرایط لازم راه‌اندازی مجدد این روزنامه اتخاذ شود. در این دیدار، «احسان جعفری» مدیرکل روابط عمومی و امور بین‌الملل و «سید محمدجواد حسینی» مشاور رئیس سازمان در امور توسعه و نظارت بر برنامه‌های سازمان بهزیستی کشور نیز حضور داشتند.»

جزئیات بیشتری از این دیدار منتشر نشده است و مشخص نیست آقایان با چه سازوکاری می‌خواهند انتشار مجدد ایران سپید را از سر بگیرند. نکته قابل‌تأمل

در این بین اما عدم حضور نابینایان و مشورت گرفتن از آن‌ها در موضوعی است که مستقیماً به آن‌ها مربوط می‌شود. مگر می‌شود در خصوص یکی از مهم‌ترین میراث‌های فرهنگی جامعه نابینایان، بدون حضور خود آن‌ها تصمیمی گرفت؟ در ماه‌ها و هفته‌های اخیر، بارها از طرف مدیرعامل و قائم‌مقام انجمن نابینایان ایران، مدیرعامل شبکه ملی نابینایان و خبرنگاران سابق این روزنامه درخواست ملاقات با آقای روزی‌طلب مطرح شده بود که تمامی آن‌ها بدون پاسخ ماند. ایشان حتی حاضر نشدند پاسخی به نامه‌ها و درخواست‌ها بدهند و با اعضای تحریریه ایران سپید دیدار کنند. حال به یک‌باره و پس از پخش گزارش یکی از شبکه‌های تلویزیونی فارسی‌زبان مستقر در لندن در خصوص ایران سپید که بازتاب گسترده‌ای را به همراه داشت، به این صرافت افتاده‌اند که با رئیس سازمان بهزیستی در این ارتباط دیدار کنند که خروجی مشخصی هم از آن جلسه بیرون نیامده است.

فراز و نشیب‌های ایران سپید در یک دهه اخیر

اوج روزهای طلایی ایران سپید را می‌توان تا پایان دهه هشتاد شمسی قلمداد کرد. روزگاری که ایران سپید در تمامی نهادها از جمله مجلس، استثنایی و بهزیستی خبرنگار اختصاصی داشت. یک تحریریه پرشور و مجرب که بسیاری از خبرنگاران آن در حال حاضر در رسانه‌های داخل و خارج مشغول به کارند. در ابتدای دهه نود شمسی نیز تعداد صفحات روزنامه از ۱۲ به ۲۰ افزایش یافت و وب‌سایت این روزنامه افتتاح شد؛ اما از اواسط دهه ۹۰ بود که دوران افول ایران سپید کم‌کم آغاز شد. اعضای تحریریه ایران سپید هر سال تقلیل پیدا کرد و هیچ نیروی متخصصی جایگزین نشد. خبرنگاران حق‌التحریری نیز در طول هشت سال علی‌رغم وعده‌های مدیران مؤسسه

احساس کند واقعیت‌های پشت‌پرده به آن‌ها گفته نمی‌شود و همین احساس بی‌صدافتی باعث فاصله گرفتن بیشتر جامعه هدف با ایران سپید شد.

انتخاب مدیرمسئول تنها در حد شنیده‌ها

با روی کار آمدن دولت جدید و تغییر و تحولات مدیریتی، هم‌زمان با بیست و پنجمین سالروز تأسیس ایران سپید، سهیل معینی، مدیرمسئول وقت این روزنامه برکنار شد. این امر به‌خودی‌خود محل اشکال نیست؛ چه آنکه در تمامی این ۲۵ سال مسئولان وقت مؤسسه ایران، مدیران هم‌سو با خود را از منظر جناح‌بندی‌های سیاسی بر سر کار می‌آوردند؛ اما بعد از برکناری معینی، نه‌تنها مدیرمسئولی انتخاب نشد؛ بلکه خبرنگاران تحریریه هم که چندین ماه به‌صورت حضوری در دفتر کار خود حاضر شده بودند، به دورکاری اجباری فرستاده شدند. از آذرماه ۱۴۰۰ خبرنگاران تحریریه به‌دنبال تعیین تکلیف خود و وضعیت روزنامه ایران سپید بودند. کم‌کم فشارهای رسانه‌ای نیز بیشتر شد و برخی از نابینایان با تماس‌های مکرر خود با مؤسسه مطبوعاتی ایران، خواستار چاپ مجدد ایران سپید به خط بریل شدند. مجموع این عوامل باعث شد مدیران مؤسسه ایران به خبرنگاران ایران سپید اعلام کنند، مسئول دفتر مدیران قبلی که مسئول دفتر فعلی شخص روزی‌طلب نیز محسوب می‌شود، به‌عنوان مدیرمسئول ایران سپید انتخاب شده است و دفتر تحریریه ایران سپید که از بهمن‌ماه تخلیه شده بود، قرار است به مکان دیگری منتقل شود. مجموعه رفتارهای مدیرمسئول نام‌برده طوری بود که ظن واقعی بودن ادعای انتصاب وی را تقویت می‌کرد؛ اما با گذشت چهار ماه از آن دوران، علی‌رغم وعده و وعیدهای متعدد، نه آن مدیرمسئول کار

ایران، هیچ‌گاه جذب نشدند و حمایت‌های بیمه‌ای و سایر مشوق‌های معمول به آن‌ها تعلق نگرفت. ناکافی بودن تعداد اعضای تحریریه کم‌کم باعث شد کیفیت مطالب اختصاصی و تخصصی دچار افت شود و مطالب عمومی غیرمرتبط با نابینایان بخش عمده‌ای از فضای روزنامه را اشغال کند. این امر در خصوص محتوای وب‌سایت نیز صدق می‌کرد. از طرفی مؤسسه مطبوعاتی ایران، ایران سپید را مانند جزیره جداگانه‌ای می‌دانست که نه برای اعضای تحریریه آن دوره‌های معمول آموزشی را برگزار می‌کرد و نه برای اعزام خبرنگاران این روزنامه برای پوشش رویدادهایی که داخل شهر یا خارج از تهران بودند، مساعدت کافی را داشت. واقعیت دیگر آن است که ایران سپید وابسته به خبرگزاری رسمی دولت و زیرنظر آن اداره می‌شد و به‌خاطر همکاری و ارتباطی که برخی از مدیران مسئول این روزنامه با این سازمان‌ها داشتند، نقد آزادانه نهادهای مرتبط با نابینایان که آن‌ها نیز تماماً سازمان‌ها و مؤسسات دولتی بودند با وجود آن روابط خاص، امکان‌پذیر نبود. تمامی این عوامل چیزی جز بی‌انگیزگی و دل‌سردی عوامل روزنامه و مخاطبان آن را به‌دنبال نداشت. از اسفندماه ۹۸ و با شیوع کرونا نیز تیر خلاص به پیکر نیمه‌جان ایران سپید زده شد و چاپ بریل که هویت اصلی ایران سپید بود، متوقف شد. توقف چاپ بریل چندین ماه ادامه پیدا کرد و واکنش مؤثر و حساسیت‌چندانی را از طرف انجمن‌های ویژه نابینایان و اعضای جامعه هدف به‌دنبال نداشت. مخاطبان قدیمی و ثابت ایران سپید هم که پیگیر چاپ مجدد بریل بودند، با وعده‌های پوچی از سوی مدیرمسئول وقت مواجه می‌شدند که از نظر عملی هیچ پشتوانه‌ای نداشت. کمااینکه احیای چاپ بریل تا اسفندماه ۱۴۰۰ نیز هیچ‌گاه عملی نشد. مجموع این عوامل سبب شد مخاطب

خود را آغاز کرده و نه تحریریه ایران سپید بر سر کار خود برگشته‌اند.

ایران سپید به چه سمت و سویی باید برود

واقعیت آن است که شرایط امروزی جامعه ایران با ۲۸ آبان ۱۳۷۵، بسیار متفاوت است. توسعه شبکه‌های اجتماعی و فراگیر شدن اینترنت حتی در مناطق دورافتاده، باعث شده اخبار در سریع‌ترین زمان ممکن در دسترس همگان قرار گیرد. این امر به معنای صحه گذاشتن بر تعطیلی ایران سپید نیست؛ چه آنکه این روزنامه تنها مرجع موثق اطلاع‌رسانی برای نابینایان کشور محسوب می‌شد و نقش آن در بسیاری از موارد از یک روزنامه که می‌بایست جنبه اطلاع‌رسانی داشته باشد، فراتر رفته بود. ایران سپید به سان یک واحد مددکاری بود که عمده مشکلات جامعه هدف را با همه کمی و کاستی‌های موجود با مسئولان در میان می‌گذاشت و آن‌ها را پاسخگو می‌کرد. این یک واقعیت انکارناپذیر است و نقش بی‌بدیل ایران سپید در این زمینه را هیچ خبرگزاری یا وبسایت خبری نمی‌تواند ایفا کند؛ لذا ادامه فعالیت ایران سپید یک ضرورت جدی است؛ اما اگر بخواهیم واقع بین باشیم، راه اندازی ایران سپید به خط بریل با شرایط گذشته دیگر امکان‌پذیر نیست. روال سرویس‌های دوف صفحه‌ای که وجود برخی از آن‌ها ضرورتی هم نداشت، باید به‌طور کل تغییر کند و ایران سپید باید دستخوش یک جراحی بنیادین شود. باتوجه به محدودیت‌های چاپ بریل و بستن محتوای روزنامه پیش از ساعت ۱۲ ظهر، عملاً عمده مطالب روز قبل پوشش داده می‌شود و پرداختن به نشست‌های خبری روز، به شماره فردای روزنامه موکول می‌شود. ارسال از طریق پست نیز در همه این سال‌ها نشان داده نمی‌تواند راه مطمئنی برای دسترسی به‌روز مشترکان به ایران سپید

باشد. در واقع، روزنامه‌ای که خود بسیاری از اوقات با محتوای خبری بیات‌شده بسته می‌شود، با تأخیر دوچندان به‌دست مخاطب می‌رسد و کارکرد روزنامه‌ای خود را از دست می‌دهد؛ لذا ضمن افزایش خبرنگاران متخصص و آشنا به مسائل آسیب‌دیدگان بینایی در تحریریه، باید تمهیدی اندیشیده شود که هم محتوای روزنامه شامل کمترین بخش خبری و زمان‌دار باشد و هم ارسال از طرق دیگری صورت گیرد که روزنامه در سریع‌ترین زمان ممکن به‌دست مشترک برسد. شاید روالی که در ارسال روزنامه ایران به سراسر نقاط کشور وجود دارد، بتواند یکی از راه‌هایی باشد که توزیع ایران سپید را تسریع کند. در غیر این صورت، چنانچه مدیران مؤسسه ایران نتوانند چنین زیرساخت‌هایی را پیاده‌سازی کنند، اگر قرار باشد ایران سپید مانند گذشته با محتوای زمان‌دار منتشر شود و صرفاً از طریق پست به سراسر نقاط ایران ارسال شود، با چند روز تأخیر به‌دست اعضای جامعه هدف می‌رسد و محتوای آن ارزش خبری خود را از دست می‌دهد؛ لذا نگارنده معتقد است اطلاع‌رسانی خبری به‌روز ایران سپید، باید روزانه از طریق وبسایت و شبکه‌های اجتماعی انجام شود و محتوای بریل که شامل گزارش و تحلیل خبرهای موجود است، در قالب یک هفته‌نامه بریل چند ده صفحه‌ای در اختیار نابینایان کشور قرار گیرد. در این صورت، حتی اگر ایران سپید با چند روز تأخیر به‌دست اعضای جامعه هدف برسد، دیگر با اتلاف منابع مواجه نیستیم؛ چراکه محتوای آن صرفاً جنبه خبری ندارد.

اشکال دیگری که در سال‌های اخیر با آن مواجه بودیم، عدم مدیریت صحیح تیراژ روزنامه بود. ارسال فله‌ای و رایگان به مراکزی که بعضاً تعطیل شده بودند یا افرادی که اساساً خواننده روزنامه محسوب نمی‌شدند، چیزی جز



یازدهمین دوره نمایشگاه بین‌المللی اینوتکس که به معرفی نوآوری‌های فناورانه می‌پردازد، از روز چهارشنبه ۲۱ تا جمعه ۲۳ اردیبهشت به میزبانی پارک علم و فناوری پردیس برگزار شد. در این دوره که شرکت‌ها و استارت‌آپ‌هایی از ایران و چند کشور دیگر از جمله هند، مجارستان، لهستان و... حضور داشتند، یک شرکت روسی هم محصولاتی را در حوزه افراد آسیب‌دیده بینایی با خود برای نمایش آورده بود که نسل مانا، به دعوت دبیر نمایشگاه، برای بازدید از محصولات این شرکت، در محل نمایشگاه حاضر شد و در دیدار و گفت‌وگویی یک‌ساعته، محصولات این شرکت را بررسی کرد.

کمپانی «سنسور - تک»^۱، یک شرکت روسی مستقر در مسکو است و در حال حاضر چهار محصول نوآورانه را برای استفاده نابینایان و ناشنوایان تولید کرده است که در جلسه با نسل مانا آن را به نمایش گذاشت.

اولین محصول، یک توپ فوتبال است که برای فوتبالیست‌های نابینا طراحی شده و در طراحی آن به یکی از مشکلات رایج این فوتبالیست‌ها توجه شده است. اغلب فوتبالیست‌ها از این گلایه دارند که در حین بازی، وقتی توپ در یک جا ساکن می‌شود، هیچ صدایی تولید

اتلاف منابع را به دنبال نداشت. این امر نیز باید دستخوش اصلاحات ساختاری شود. عملی‌ترین راه ممکن آن است که برای دریافت اشتراک نسخه بریل، فراخوان مجدد منتشر شود. در این صورت، تیراژ بریل به یک‌چهارم یا یک‌پنجم گذشته کاهش پیدا می‌کند و نسخه بریل صرفاً در اختیار افراد یا سازمان‌هایی قرار می‌گیرد که متقاضی واقعی مطالعه این روزنامه یا هفته‌نامه به خط بریل هستند. واقعیت آن است که استفاده از این راهکار، هزینه‌ها را بسیار کاهش می‌دهد و در مقایسه با تیراژ چند ده‌هزار نسخه‌ای روزنامه ایران در روز، عددی محسوب نمی‌شود. از مدیران مؤسسه مطبوعاتی ایران انتظار می‌رفت با درایت و سعه‌صدر بیشتری نسبت به یک پدیده فرهنگی ۲۵ ساله تصمیم‌گیری کنند تا این قبیل رفتارها و تصمیمات شتاب‌زده و غیرمنتظره، به سوژه شبکه‌های فارسی‌زبان آن‌سوی آب‌ها بدل نشود. قول معروفی است که می‌گویند مدیران را با عملکردشان قضاوت می‌کنند و نه گفته‌ها یا عکس‌های یادگاری‌شان. جامعه نابینایان همچنان امیدوار است مدیران فعلی که با شعار انقلابی‌گری و حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و مستضعف بر صندلی مدیران پیشین تکیه زده‌اند، نسبت به شعارهایشان اندکی وفادار باشند و تعطیلی روزنامه نابینایان را به‌نام خودشان سند نزنند.

نمی‌کند تا بازیکن‌ها بتوانند آن را پیدا کنند. این توپ اما به‌گونه‌ای طراحی شده که حتی وقتی حرکت نمی‌کند هم صدایی از خود تولید می‌کند و بازیکنان به‌سادگی می‌توانند آن را پیدا کنند. این اتفاق به‌کمک مکانیزم ساده‌ای که داخل توپ کار گذاشته شده، رقم می‌خورد. توپ به یک باتری مجهز شده که قابل شارژ است؛ البته تویی که در اینوتکس به نمایش گذاشته شد، از نمونه استاندارد کمی بزرگ‌تر و سنگین‌تر بود که طراحان سنسور-تک وعده دادند در نمونه‌ای که قرار است به تولید انبوه برسد، این مشکل حل خواهد شد. قیمت توپ فوتبال نایینایان ۱۰۰ دلار است و با اضافه‌شدن این قابلیت، اندکی قیمت توپ‌ها افزایش خواهد یافت.

محصول دوم که «روبین»^۱ نام دارد، یک دوربین است که روی یک رایانه کوچک با سیستم عامل لینوکس نصب شده و قادر است موانع را در مسیر افراد نایینا شناسایی کند و در قالب پیام‌های لرزشی، دوری و نزدیکی به موانع را اعلام کند. این دستگاه همچنین به موتور صوتی هم مجهز است و می‌تواند اشیای اطراف فرد نایینا را شناسایی و اعلام کند. قابلیت خواندن متون چاپی هم از دیگر امکاناتی است که در این دستگاه در نظر گرفته شده است. برتری روبین بر نمونه‌های نرم‌افزاری موجود در فروشگاه‌های اپلیکیشن‌های اندروید و آی‌اواس این است که این دستگاه، همه این کارها را به‌شکل برون‌خط (آفلاین) انجام می‌دهد. در حال حاضر، دستگاه فقط از روسی و انگلیسی پشتیبانی می‌کند؛ اما مدیر شرکت مدعی شده می‌توان زبان‌های دیگر از جمله فارسی را هم به آن اضافه کرد. قیمت روبین، ۲۰۰۰ دلار است.

سامانه «اس‌ام‌دبلیوچ»^۲، دیگر محصول این شرکت است که از یک اپلیکیشن و یک عینک واقعیت مجازی^۳ تشکیل می‌شود. روش کار اپلیکیشن این است که ابتدا کاربر کم‌بینا، نوع اختلال بینایی خود را در اپ مشخص می‌کند و سپس دوربین، بر مبنای مختصات اختلال بینایی، دنیا را به‌گونه‌ای نمایش می‌دهد که برای او متناسب باشد. کاربر باید عینک را روی چشم بگذارد و گوشی را به‌شکلی که دوربین رو به بیرون باشد، در محلی که برای همین کار روی عینک تعبیه شده قرار دهد و از ورای عدسی‌های عینک، اطراف را ببیند. این اپلیکیشن رایگان است و عینک موردنیاز آن هم با قیمتی در حدود ده دلار از هریک از فروشگاه‌های لوازم صوتی و تصویری قابل خریداری است.

آخرین محصول این شرکت، ابزاری است که می‌تواند صحبت‌ها را در محیط بشنود و به متن تبدیل کند. این محصول برای ناشنویان مناسب خواهد بود؛ البته با توجه به اینکه دستگاه از نمایشگرهای بریل هم پشتیبانی می‌کند، افراد ناشنوا - نایینا هم قادر خواهند بود از آن استفاده کنند.

برای آشنایی بیشتر شما با این محصولات، بازدیدمان از غرفه سنسور - تک را در قالب یک فایل صوتی تنظیم کرده‌ایم که می‌توانید آن را ذیل همین پست در وب‌سایت نسل مانا دانلود کنید و بشنوید.

^۳ Smart-VR Glasses

^۱ Robin

^۲ SMW-Patch

در روزهای ابتدایی اردیبهشت، انجمن جلسه مفیدی را با «مهدی رضانی»، سرپرست وقت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و دبیرکل فعلی این نهاد برگزار کردیم.



حکم دبیرکلی آن جناب اخیراً ابلاغ گردید و به این وسیله این انتصاب را به فال نیک می‌گیریم و از این طریق به ایشان تبریک می‌گوییم. در این جلسه، مقرر گردید نهاد، همچنان حمایت‌های خود را از موضوع ترویج و تسهیل کتاب و کتاب‌خوانی در میان نایبانیان ادامه دهد و همچنین در موضوع اشتغال هم بنا شد این نهاد، در جذب متخصصان نابینا و کم‌بینا همچنان با جامعه نابینانیان همکاری کند؛ البته در این بین لازم است یک نکته مهم را هم متذکر شوم و آن هم اینکه ما همواره بر توانمندی‌های نیروی کار نابینا تأکید کرده‌ایم و هر جا که امکانی وجود داشته، بر این نکته تأکید کرده‌ایم که این افراد می‌توانند به مدد نرم‌افزارهایی که ریالی هزینه برای کارفرمایان به‌دنبال نخواهد داشت، هم‌پای سایرین امور شغلی را انجام دهند؛ اما متأسفانه در موارد بسیار نادری هم مشاهده شده که برخی نابینانیان گویی سعی می‌کنند باتکیه بر شرایط نابینایی، تسهیلاتی را اضافه بر تسهیلات معمول و منطقی از کارفرما دریافت کنند و به‌طور مثال اصرار بیش از اندازه‌ای بر کاهش ساعات کاری می‌ورزند یا حتی بعد از بازگشایی تمام مشاغلی که به‌خاطر همه‌گیری به‌شکل دورکار اداره می‌شدند، به‌دنبال تداوم دورکاری هستند و این موضوع برخی از کارفرمایان را گله‌مند کرده است. چه‌بخت‌تر آنکه سعی کنیم با نمایش یک چهره توانمند و

گزارش عملکرد انجمن نایبانیان ایران (اردیبهشت ۱۴۰۱)

آنچه در ادامه می‌خوانید، خلاصه‌ای مکتوب از توضیحات منصور شادکام و عباس خاک‌سفیدی، به‌ترتیب قائم‌مقام انجمن نایبانیان ایران و مسئول نمایندگی این انجمن در استان سیستان و بلوچستان است. نسخه صوتی این گزارش را هم می‌توانید ذیل همین نوشته در وبسایت نسل مانا بشنوید.

منصور شادکام؛ قائم‌مقام انجمن نایبانیان ایران:

ابتدا لازم می‌دانم عید سعید فطر را به جمیع مخاطبان نسل مانا تبریک بگویم و از درگاه الهی برای همه آرزوی قبولی طاعات و عبادات را داشته باشم. ضمناً ضروری می‌دانم بدین‌وسیله از حمایت‌های شرکت فناوا کارت و به‌ویژه برادر عزیزمان، جناب مهندس شکوهی، شرکت پکتوس و بانک مسکن و سایر حامیان ماهنامه نسل مانا تشکر کنم که اگر نبود حمایت‌های این حامیان، قطعاً امکان انتشار این نشریه هم فراهم نمی‌شد.

در آغاز این گزارش، از محضر مخاطبان انجمن نایبانیان ایران عذرخواهی می‌کنم که نتوانستیم به وعده‌مان در خصوص برگزاری مجمع انتخاباتی این انجمن در ماه جاری عمل کنیم. به‌دلیل تغییراتی که در قوانین برگزاری مجامع ایجاد شده، روند این برگزاری کمی کندتر از پیش صورت می‌گیرد. طبق قوانین جدید، تمامی جزئیات برگزاری مجمع باید روی وبسایت بارگذاری شود و اعضا باید روی سامانه الکترونیکی ثبت‌نام شوند و همین موضوع، کار را کمی کند کرده است؛ اما قطعاً خواهیم کوشید تا این مجمع را در ماه آینده (خرداد ۱۴۰۱) برگزار کنیم. امیدواریم هیئت‌مدیره جدید بتواند اهداف انجمن را با قدرت بیشتری پیش ببرد و اتفاقات مؤثری را برای اعضای انجمن رقم بزند.

به‌گونه‌ای احیا شود که دیگر اشکالاتی که قبلاً بر نحوه تولید و توزیع محتوا در این روزنامه وجود داشت، تکرار نشود؛ اما حالا بدون حضور و مشورت خود نابینایان، چطور می‌توان چنین انتظاری را از ایران سپید جدید داشت؟

جلسه مهم دیگری که در روزهای پایانی اردیبهشت برگزار شد، به موضوع دسترسی‌پذیری سامانه بانکی کشور اختصاص داشت. انجمن، میزبان مدیران شرکت شاپرک بود که از مهم‌ترین شرکت‌های حال حاضر در امور بانکی محسوب می‌شود و جزئیات مشکلات نابینایان با سامانه شاپرک مطرح گردید و نتایج این جلسه، به‌زودی به اطلاع مخاطبان انجمن نابینایان ایران خواهد رسید.

عباس خاک‌سفیدی؛ رئیس دفتر انجمن نابینایان ایران در استان سیستان و بلوچستان:

عمده فعالیت‌های دفتر نمایندگی انجمن در زاهدان به دو بخش معیشتی و فرهنگی‌هنری تقسیم می‌شود. در زمینه معیشت، انجمن تلاش کرده با رایزنی با سایر انجمن‌ها و افراد نیکوکار در سطح استان، شرایطی را فراهم کند که کمک‌هایی در قالب‌های سبد غذایی، کفش و لباس، غذای گرم و کمک‌هزینه معیشت، در اختیار برخی نابینایان نیازمند قرار دهد؛ آمار و جزئیات این کمک‌ها به تفصیل در نسخه صوتی همین گزارش بیان شده است

مشتاق به انجام کار، موجبات دلسردی صاحبان کسب‌وکارها را از انتخاب نیروی کار نابینا فراهم نکنیم و ضرری به آینده شغلی جامعه نابینایان وارد نیاوریم. در نیمه اردیبهشت، خبری منتشر شد مبنی بر دیدار «محمدحسن روزی‌طلب»، مدیرعامل مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران و «علی‌محمد قادری»، رئیس سازمان بهزیستی کشور در خصوص راه‌اندازی مجدد روزنامه ایران سپید. دو نفر دیگر از عوامل سازمان بهزیستی هم در این جلسه حضور داشتند. شگفت آنکه مدیرعامل مؤسسه ایران، در طول چند ماه گذشته سیل نامه‌های تشکرها را بی‌پاسخ گذاشته و وقتی به درخواست انجمن نابینایان ایران یا شبکه تشکرها، مبنی بر برگزاری جلسه در خصوص وضعیت ایران سپید نگذاشته است. حالا چه می‌شود که این جلسه با این شکل و شمایل برگزار می‌شود؟ اگر هدف گرفتن عکس یادگاری است که هیچ؛ اما اگر بنا بر آن است که تکلیف این روزنامه مشخص شود، باید خطاب به این عزیزان عرض کنم که چطور می‌شود درباره یک میراث ۲۵ ساله فرهنگی نابینایان، بدون حضور آن‌ها تصمیم‌گیری کرد؟ در این جلسه چهار نفر حضور داشتند؛ اما از میان متخصصان و کارشناسان نابینا، هیچ فردی حاضر نبود. جناب روزی‌طلب در طول این ماه‌ها نشان داده هیچ تمایلی حتی برای تعامل با خبرنگاران پیشین این روزنامه هم ندارد؛ اما روی سخنم با رئیس بهزیستی است؛ شما متولی امور نابینایان در کشور هستید. اگر بنا باشد این‌طور راجع به مهم‌ترین امور این قشر تصمیم‌گیری شود، بدون شک هیچ کاری پیش نخواهد رفت. تمام تلاش ما در طول این مدت این بوده که ایران سپید

پیشخوان: مروری بر نشریات و پادکست‌های انگلیسی‌زبان ویژه آسیب‌دیدگان بینایی

امید هاشمی: سردبیر

این بار در پیشخوان با یک مربی نابینای پیانو و روشی که برای آموزش نوازندگی به نابینایان ابداع کرده، آشنا خواهیم شد؛ همچنین راجع به یک طرح خلاقانه خواهیم خواند که فدراسیون ملی نابینایان آمریکا به‌منظور بهبود کیفیت آموزش به نابینایان، آن را اجرا می‌کند. با خبرنگار نابینای بی‌بی‌سی آشنا می‌شویم و از یک نابینای هم‌وطن سراغی می‌گیریم که اخیراً مهمان یک پادکست انگلیسی‌زبان بوده است.

راهی آسان برای نوازنده‌شدن شما

نوازندگی پیانو هرگز به این آسانی نبوده است. این را ما نمی‌گوییم. این، ادعای «مارک میلر»^۱ است. او یک معلم پیانوی نابینا است و بیشتر شاگردانش هم مثل خودش از خانواده افراد آسیب‌دیده بینایی هستند. چیزی که مارک را از سایر مربیان موسیقی متمایز کرده و باعث حضورش در [پادکست](#) «بلایندبیلیتیز»^۲ شده، شیوه‌ای است که برای تدریس به نابینایان طراحی کرده است. او برای آموزش به نابینایان، نه از نت‌نویسی مرسوم بریل، بلکه از روشی مبتکرانه استفاده می‌کند که خودش نام آن را «برگه راهنما»^۳ گذاشته است. باید کمی با نوع نگاه مارک به آموزش پیانو بیشتر آشنا شویم تا بدانیم برگه راهنما چگونه قرار است به نوازنده‌شدن شاگردان او کمک کند.



از دیگر فعالیت‌های انجمن در ماه گذشته، برگزاری جلسه‌ای با معاونت امور بانوان استانداری بود و در این جلسه مقرر گردید جلسه دیگری با حضور مسئولین بهزیستی و فنی و حرفه‌ای استان برگزار شود تا توانمندی‌ها و مشکلات و موانع نابینایان در زمینه اشتغال موردبحث قرار گیرد تا بتوانیم با کمک این نهادها گام مؤثری در جهت اشتغال نابینایان برداریم؛ همچنین در طول ماه گذشته، یک هارددیسک حاوی ۴۰۰ گیگابایت کتاب صوتی در اختیار یکی از شهرهای سیستان، جهت استفاده نابینایان شهرستان قرار گرفت. ارائه مجموعه قرآن کریم به بریل به یکی از نابینایان زاهدان و همچنین توزیع نرم‌افزارها و کتب موردنیاز نابینایان از طریق شبکه‌های اجتماعی و ارائه آموزش رایانه و برجسته‌نگار هوشمند، از دیگر فعالیت‌های این دفتر نمایندگی در ماه گذشته بود و امید است با حمایت‌های انجمن نابینایان ایران، این فعالیت‌ها با کیفیت و کمیتی ارتقایافته، همچنان ادامه داشته باشد.

^۱ Lead Sheet

^۱ Mark Miller

^۲ Blindabilities

می‌کنند. این مربی معتقد است آشنایی هم‌زمان با آکوردها و مفاهیم و تلفیق آن با خلاقیت، موسیقی را تشکیل می‌دهد؛ بنابراین، از همان ابتدا کار آموزش را با آکوردها شروع می‌کند. او برای آموزش آکوردها از روشی استقرایی بهره می‌گیرد؛ به این ترتیب که ابتدا آکوردهای مازور را به شاگردانش می‌آموزد و بعد، توضیح می‌دهد که فقط با تغییر یک نت در هر کدام از آکوردهای مازور، می‌توان به مینور آن‌ها دست یافت. سایر انواع آکوردها را هم به همان ترتیب می‌آموزد. این کار، زمان بسیار کوتاهی را از هنرجو خواهد گرفت.

یکی دیگر از شگردهای مارک این است که کار آموزش را با قطعاتی شروع می‌کند که چه در دست چپ و چه راست، احتیاج به کمترین میزان جابه‌جایی روی کلایه‌های پیانو داشته باشند. او معتقد است در روش نوازندگی ساده، دست چپ فقط باید نوازندگی آکوردها را به عهده داشته باشد و دست راست هم ملودی بنوازد. ابتدا قطعاتی را انتخاب می‌کند که بشود با دو یا سه آکورد آن‌ها را نواخت. بعد گام‌به‌گام به سمت انتخاب قطعات پیچیده‌تر پیش می‌رود. او با آموزش آکوردها و منطق تشکیلشان و همین‌طور اصلی‌ترین مفاهیم تئوری موسیقی و پیاده‌سازی این آموزه‌ها روی آهنگ‌های آشنا، به قول خودش به شاگردانش ماهیگیری می‌آموزد. شاگردان مارک در زمان بسیار کوتاهی می‌توانند نوازندگی پیانو را تا اندازه‌ای بیاموزند که آهنگ‌های دلخواهشان را با کیفیتی کاملاً مطلوب، بنوازند. همان‌طور که گفتیم او برای تسهیل آموزش، روش خاصی را هم برای نت‌نویسی ابداع کرده است که از هفت هشت علامت ساده برای نوشتن اطلاعات مورد نیاز استفاده می‌کند. در واقع مارک روشی را ابداع

مارک موسیقی را در یک کالج کوچک در محل زندگی‌اش فراگرفته؛ جایی که اصول و تئوری‌های سبک جاز به او آموزش داده شده



است. او می‌گوید تدریس موسیقی را از ۲۰ سال پیش آغاز کرده اما برخلاف بقیه که تدریس را رودررو انجام می‌دهند، مارک میلر ترجیح داده به دنبال راهی باشد که بتواند این کار را به شکل غیرحضوری صورت دهد و با حذف دشواری‌های مربوط به رفت‌وآمد، یکی از مشکلات نابینایان هنرآموز را از سر راه بردارد. ۲۰ سال پیش که ابزارهای ارتباطی بر بستر اینترنت هنوز مثل امروز پیشرفت نکرده بوده، او آموزش را از طریق خطوط تلفن انجام می‌داد؛ حالا اما میزبانی کلاس‌هایش را به اسکایپ سپرده است.

نگاه مارک به آموزش، نگاهی جذاب و درعین‌حال واقع‌گرایانه است. او بر این باور است که اصولاً قرار نیست هرکس که شروع به یادگیری موسیقی می‌کند، حتماً یک نوازنده در سطح حرفه‌ای شود و در سالن‌های معتبر، باخ و بتهوون اجرا کند. برخی هنرجویان می‌خواهند موسیقی را در حدی بشناسند که بتوانند ترانه‌ها یا موسیقی‌هایی را که در طول روز می‌شنوند یا در خاطر دارند، به شکلی صحیح و گوش‌نواز بنوازند و خود و اطرافیانشان از نوازندگی‌شان لذت ببرند. بر مبنای همین نگاه است که مارک شاگردانش را گرفتار جلسات طولانی آموزش نت‌نویسی بریل و تمرینات خشک و طاقت‌فرسای مرسوم نمی‌کند. شاگردان مارک میلر قرار است موسیقی بنوازند و این کار را بعد از جلسه دوم شروع

نابینایان آشنا می‌شوند. در طول سال تحصیلی ۲۰۲۱، معلمان از ۱۴ ایالت آمریکا در این طرح مشارکت داشتند. این معلمان ماهی یک‌بار در بستر اپلیکیشن زوم دور هم جمع می‌شوند و چند گردهمایی حضوری هم برگزار می‌شود که میزبانی آن به‌عهده فدراسیون است. یک بنیاد پژوهشی، حامی مالی این دوره است و معلمان هیچ هزینه‌ای برای شرکت در آن نمی‌پردازند. طرح «معلمان فردا» در کنار طرح دیگری موسوم به «پِل آکادمی»^۳، دو طرح فوق‌العاده هیجان‌انگیز و الهام‌بخش است که فدراسیون در خصوص آموزش به نابینایان برگزار می‌کند. در نسخه صوتی پیشخوان، هم به‌مرور تجربیات «کارن اندرسون»^۴ از شرکت در طرح «معلمان فردا» خواهیم پرداخت و هم با جزئیات طرح پِل آکادمی که ویژه دانش‌آموزان نابینا برگزار می‌شود، آشنا خواهیم شد.

خبرنگاری در دل خطرات با خبرنگار نابینای

بی‌بی‌سی

مهمان آخرین شماره از پادکست «فایس‌کست»^۵، یک خبرنگار نابینا است که در حال حاضر در جایگاه خبرنگار سیاسی این شبکه خبری در آمریکای شمالی مشغول به کار است. «گری اوداناگهو»^۶ اهل انگلستان است. از بدو تولد نابینا بوده و تحصیلاتش را هم در مدرسه نابینایان به پایان رسانده است. او درباره سال‌هایی که در مدرسه نابینایان تحصیل می‌کرده می‌گوید: «حضور در مدرسه نابینایان، هم جنبه‌های خوب داشته و هم جوانب بد. یکی از جنبه‌های خوب تحصیل در مدرسه این بوده که آنجا علاوه بر موضوعات

کرده که بتواند مثل روش «تبلچر»^۱ در گیتار، آکوردها و ملودی‌ها را با کمترین علامت، نمایش دهد. مارک برای کار آموزش [یک وبسایت](#) راه‌اندازی کرده و هم‌اکنون مشغول آموزش به شاگردانی از هشت کشور و سه قاره دنیا است. در نسخه صوتی پیشخوان، شیوه آموزش او را به تفصیل شرح خواهیم داد و از نمونه نوازندگی شاگردانش هم چیزهایی خواهیم شنید.

معلمان فردا، میهمان فدراسیون ملی نابینایان آمریکا

در آخرین شماره از ماهنامه «بریل مانیتور»^۲ که فدراسیون ملی نابینایان آمریکا آن را منتشر می‌کند، با نوشته‌ای مواجه می‌شویم به قلم یکی از معلمان افراد آسیب‌دیده بینایی که تجربیاتش را از مشارکت در طرحی موسوم به «معلمان فردا» به میزبانی فدراسیون بیان می‌کند. به این بهانه، بد نیست نگاهی به این طرح خلاقانه و اهدافش بیندازیم.

طرح «معلمان فردا»، برای کسانی اجرا می‌شود که در رشته آموزش‌گاری افراد آسیب‌دیده بینایی تحصیل می‌کنند یا اخیراً در این شغل استخدام شده‌اند. آن‌ها در طول یک سال، در قالب دیدارهای آنلاین یا حضوری، با نابینایان بزرگسال و خانواده‌های دارای کودکان نابینا ارتباط برقرار می‌کنند و از تجربیات زیسته افراد آسیب‌دیده بینایی اطلاعات دست‌اولی به‌دست می‌آورند. این طرح معمولاً از پاییز شروع می‌شود و یک سال تحصیلی ادامه پیدا می‌کند. در طول این یک سال، معلمان با موضوعاتی همچون اصول جهت‌یابی، آشپزی نابینایان، استقلال فردی و مسائل و موضوعات روحی، اجتماعی و رفتاری

^۴ Karen Anderson

^۵ FSCast

^۶ Gary O'Donoghue

^۱ Tablature

^۲ Braille Monitor

^۳ BELL Academy

معمول درسی، جرئت و شهامت هم می‌آموختیم.» گری می‌گوید در مدرسه به آن‌ها اسکی و حتی رانندگی می‌آموختند. آن‌ها معتقد بودند درست است که نابینایان قرار نیست بتوانند رانندگی کنند؛ اما باید بدانند معنای رانندگی دقیقاً چیست. به همین خاطر، گری و هم‌کلاسی‌هایش را به یک فرودگاه متروکه می‌بردند و روی باند آن فرودگاه به آن‌ها رانندگی می‌آموختند.



گری تحصیل را در رشته فلسفه و در دانشگاه آکسفورد ادامه داده و در همان سال‌های آخر دانشگاه هم به تدریس پا به عرصه خبرنگاری گذاشته است. درباره نحوه ورودش به این حرفه می‌گوید: «در سال‌های ابتدایی دهه نود قرن بیستم، از بی‌بی‌سی خواستم امکانی را در اختیار من بگذارد که به عنوان خبرنگار افتخاری، گزارش‌هایی را برای آن‌ها آماده کنم. آن‌ها هم پذیرفتند و من در زمانی که برای تعطیلات در پاریس به سر می‌بردم، اولین مصاحبه‌ام را که گفت‌وگویی بود با برادر فرانسیس فورد کاپولا، کارگردان مشهور، انجام دادم. این کارگردان، نخستین سینماگری بود که فیلمش را برای نابینایان توضیح‌دار می‌کرد.»

گری مسیر پرپیچ‌وخمی را پیموده تا توانسته جایگاه خود را در بی‌بی‌سی تثبیت کند و برای خودش امضا و اعتباری به دست آورد. او از روزهایی می‌گوید که خبری از صفحه‌خوان و رایانه در بی‌بی‌سی نبود و باید انواع ترندها را به کار می‌بست تا بتواند وظایفش را به نحو صحیح انجام دهد. از خطرهایی می‌گوید که در حین کار با آن‌ها دست‌به‌گریبان بوده است. از نحوه ورودش به اجرای تلویزیونی می‌گوید و از اینکه موقع ایستادن در مقابل دوربین، به چه نکاتی توجه می‌کند. از نقش بریل در کارش برایمان تعریف می‌کند و از اینکه چگونه توانسته یک بریل‌خوان سریع باشد و به مدد بریل برنامه زنده اجرا کند. او از مستندهایی که در دل توفان‌ها و درگیری‌های خیابانی و جنگ‌ها برای بی‌بی‌سی ساخته برایمان حکایت می‌کند. همه این‌ها را برایتان بازگو خواهیم کرد اگر شنونده نسخه صوتی پیشخوان باشید. در نسخه صوتی همچنین از یک دوست نابینای ایرانی هم سراغی خواهیم گرفت که یکی دو هفته پیش، مهمان پادکست «آیز آن ساکس»^۱ بوده و برای «پیت و نانی»، گردانندگان پادکستی که حالا دیگر قطعاً برای مخاطبان پیشخوان آشنا محسوب می‌شود، از وضعیت زندگی نابینایان در ایران گفته است. از او راجع به جزئیات توضیحاتی که از طریق این پادکست به گوش نابینایان آمریکایی رسانده، خواهیم شنید.

^۱ Eyes on success

نقش محوری آموزگاران کودکان آسیب‌دیدهٔ بینایی در آموزش و پرورش امروز

زهرا همت؛ روان‌شناس و آموزگار آموزش و پرورش استثنایی شهر تهران

در ماهی که گذشت هفتهٔ بزرگداشت مقام معلم را گذراندیم که مانند همیشه فقط با فانتزی‌ها و تبریک گفتن و هدیه‌دادن و هدیه‌گرفتن و کارت‌پستال‌های دیجیتالی سپری شد. انتظار می‌رفت مباحث مهم‌تری در این مناسبت مطرح شود. از جمله اینکه به‌هیچ‌عنوان به نقش و جایگاه معلم در رشد و آموزش و یادگیری دانش‌آموزان (چه دانش‌آموزان آسیب‌دیدهٔ بینایی و چه دانش‌آموزان فاقد آسیب بینایی) پرداخته نشد و هنوز معلمان در نظر افراد جامعه، همان خانم‌ها و آقایانی هستند که سخنرانی می‌کنند و درس می‌دهند و امتحان می‌گیرند و دانش‌آموزان هم فقط کتاب می‌خوانند و امتحان می‌دهند و نمره می‌گیرند؛ اما در نظریه‌های یاددهی و یادگیری نوین، معلم نقش فعال‌تری دارد و آموزش نیز گسترهٔ وسیع‌تری از مسائل آموزشی و تربیتی را در بر می‌گیرد که این نقش جدید باید به عموم افراد جامعه شناسانده شود. از سویی با مطرح‌شدن طرح آموزش یکپارچه و فراگیر و حضور دانش‌آموزان آسیب‌دیدهٔ بینایی در مدارس پذیرا و در کنار دانش‌آموزان فاقد آسیب بینایی، آموزش این کودکان از انحصار آموزش و پرورش استثنایی و مدارس ویژه خارج شد و با رواج روزافزون ثبت‌نام دانش‌آموزان در مدارس عادی، اهمیت انجام کار گروهی و همکاری گروه آموزشی مدرسه و معلمان ویژهٔ افراد با آسیب بینایی، در بهبود

کیفیت آموزش و پرورش دانش‌آموزان آسیب‌دیدهٔ بینایی، مشخص می‌شود.

در ابتدا باید مشخص کنیم که آموزگاران ویژهٔ افراد با آسیب بینایی چه کسانی هستند و چه آموزش‌هایی دیده و چه تخصص‌هایی دارند و در ادامه به معرفی نقش و وظایف معلم کلاس در آموزش این دانش‌آموزان بپردازیم.

آموزگاران ویژهٔ کودکان آسیب‌دیدهٔ بینایی، افرادی هستند که علاوه بر دارا بودن مهارت‌های عمومی معلمی، در زمینهٔ برخورد با نیازهای خاص آموزشی کودکان با آسیب بینایی، مطالعه و با گذراندن دوره‌های آموزشی متنوع، کسب تجربه کرده‌اند. آموزگاران افراد آسیب‌دیدهٔ بینایی، نقش مهم و محوری در گروه آموزشی کودک با آسیب بینایی دارد. این آموزگاران، در زمینهٔ آثار آسیب بینایی بر رشد و آموزش و یادگیری کودکان با آسیب بینایی، دانش و تجربه دارند؛ به‌علاوه با راهکارها و ترفندها و ابزارهایی که می‌تواند به کودک آسیب‌دیدهٔ بینایی برای یادگیری، مشارکت در فعالیت‌های آموزشی و انجام امور روزمرهٔ زندگی کمک کند، آشنا هستند؛ بنابراین همکاری آموزگار ویژهٔ کودکان آسیب‌دیدهٔ بینایی با آموزگار کلاس درس و گروه آموزشی مدرسه در جهت فراهم‌نمودن شرایط مطلوب آموزش این کودکان، ضروری است و نمی‌توان از معلم کلاس مدرسه انتظار داشت که تمام نیازهای آموزشی و پرورشی دانش‌آموز آسیب‌دیدهٔ بینایی را برطرف کند و آموزگار کودکان با آسیب بینایی باید برنامهٔ روزانه برای کار با این دانش‌آموزان تنظیم کند و با گروه آموزشی که شامل آموزگار کلاس درس و سایر عوامل مدرسه و خانوادهٔ دانش‌آموز است، همراهی کند.

کودک در کلاس درس و سایر فعالیت‌های مدرسه و زندگی روزمره دانش‌آموز.

* فراهم نمودن منابع مطالعاتی و آزمون‌ها در قالب‌های دسترس‌پذیر مانند کتاب‌ها و جزوات و آزمون‌ها به صورت بریل، الکترونیکی یا صوتی؛ متناسب با شرایط و نیازها و توانایی‌های هر دانش‌آموز.

* بررسی دسترس‌پذیری و ایمنی کلاس درس و سایر محیط‌های آموزشی باتوجه به استانداردهای محیط مناسب تردد افراد آسیب‌دیده بینایی و هم‌فکری با سایر اعضای گروه آموزشی برای لحاظ کردن این استانداردها در طراحی و چیدمان محیط کلاس و مدرسه.

* ارائه مشاوره و آموزش فن‌های مفید آموزشی کودکان آسیب‌دیده بینایی به آموزگار کلاس درس و سایر اعضای گروه آموزشی در جهت افزایش اثربخشی آموزش دانش‌آموز آسیب‌دیده بینایی.

آموزگاران ویژه افراد آسیب‌دیده بینایی که به آن‌ها معلم رابط یا تلفیقی هم گفته می‌شود؛ معمولاً در دو یا چند مدرسه در یک منطقه کار می‌کنند؛ بنابراین برای هر دانش‌آموز دو یا سه جلسه آموزشی هفتگی برنامه‌ریزی می‌کنند. آن‌ها ضمن کار با دانش‌آموز در بیرون از کلاس درس، فعالیت و روند پیشرفت یادگیری او را به معلم کلاس گزارش می‌کنند و باتوجه به نیازهای خاص هر دانش‌آموز، ضمن مشورت با معلم کلاس و سایر اعضای گروه آموزشی، برنامه آموزش و یادگیری کودک را می‌نویسند. معلم کلاس معمولاً از نیازهای ویژه و شیوه‌های خاص آموزش کودکان با آسیب بینایی آگاه نیست و ارائه مشورت و آشنا کردن معلم کلاس با نیازهای خاص، روش‌های آموزش و ابزارهای آموزشی کودکان آسیب‌دیده بینایی، برعهده آموزگار ویژه افراد با آسیب بینایی است.

اهداف آموزشی، مداخلات و برنامه‌ها و فعالیت‌های آموزگار ویژه کودکان آسیب‌دیده بینایی با در نظر گرفتن شرایط سنی و نیازهای آموزشی ویژه هر کودک، متفاوت است. باتوجه به این موارد و مقررات مدرسه محل تحصیل هر کودک، آموزگاران کودکان با آسیب بینایی ممکن است در تمامی یا برخی موارد زیر فعالیت کنند:

* آموزش مهارت‌های خاصی که کودکان باتوجه به شرایط ناشی از آسیب بینایی، باید یاد بگیرند. به طور کلی این مهارت‌ها راهکارهای سازگاری با آسیب بینایی را در بر می‌گیرد. برای مثال این مهارت‌ها شامل: یادگیری خواندن و نوشتن به خط بریل، استفاده از وسایل کمک بینایی و درشت‌نمایی و خواندن و نوشتن با حروف درشت، مهارت انجام امور روزمره زندگی و استقلال می‌شود.

* مشاهده رفتار و روند یادگیری کودک و جمع‌آوری مستندات جهت برنامه‌ریزی آموزش و اصلاح و بهبود این برنامه.

* کار با خانواده‌های دانش‌آموزان در زمینه‌های گوناگون مانند مهارت‌هایی که باید به فرزندشان بیاموزند؛ چیدمان منزل به شیوه مناسب برای کودک با آسیب بینایی؛ مشارکت دادن کودک آسیب‌دیده بینایی در انجام امور منزل و مواردی از این دست.

* ارجاع کودک به متخصصین برای دریافت سایر خدماتی که ممکن است یک کودک با آسیب بینایی نیاز داشته باشد. مانند آموزش جهت‌یابی و حرکت و بینایی‌سنجی و دریافت خدمات کلینیکی تخصصی کم‌بینایی.

* ملاقات با آموزگار کلاس درس و سایر اعضای گروه آموزشی و اعضای خانواده دانش‌آموز آسیب‌دیده بینایی در جهت مشورت و بهبودبخشیدن برنامه‌های آموزشی

برای مثال در مبحث خسوف و کسوف در درس علوم تجربی، معلم کلاس از ماکت استفاده می‌کند و موقعیت خورشید و ماه و سیارات و حرکت آن‌ها را با لمس کردن به دانش‌آموز نشان می‌دهد و این در حالی است که برای آموزش این مطلب به دانش‌آموزان فاقد آسیب بینایی از تصویر استفاده می‌شود. در سایر دروس نیز معلم کلاس با کمک معلم ویژه دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی، به فراخور موضوع، ابزارهای دسترس‌پذیر مانند ماکت‌ها، تصاویر سه‌بعدی و برجسته و... فراهم می‌کند.



باتوجه به موارد گفته شده، مشخص می‌شود که معلم کلاس و معلم ویژه افراد آسیب‌دیده بینایی باید ارتباط و همکاری تنگاتنگی در مسیر فراهم کردن آموزش مناسب و مفید برای دانش‌آموزان با آسیب بینایی با یکدیگر داشته باشند. امیدواریم معلمان عزیز، موارد مطرح شده را در ارتباط با آموزش و پرورش کودکان آسیب‌دیده بینایی در نظر بگیرند و آموزش درخور و مفیدی برای این دانش‌آموزان فراهم کنند.

مسئولیت‌های آموزگار کلاس درس در مقابل دانش‌آموز آسیب‌دیده بینایی به این شرح است:

* آموزش سرفصل‌های درسی، ارزیابی عملکرد دانش‌آموز و نمره‌گذاری و آموزش و ارزیابی رعایت نظم و انضباط در میان تمام دانش‌آموزان کلاس.

* همکاری با آموزشگاه ویژه آسیب‌دیدگان بینایی در تهیه منابع مطالعاتی و ابزارهای آموزشی در جهت غنی‌سازی محیط یادگیری و کمک به بهبود روند آموزش و یادگیری دانش‌آموز با آسیب بینایی.

* ملاقات و مشاوره منظم با آموزگار ویژه کودکان آسیب‌دیده بینایی در خصوص روند پیشرفت دانش‌آموز با آسیب بینایی در زمینه‌های درسی و اخلاقی و اجتماعی و برنامه‌ریزی و اصلاح و به‌روزرسانی برنامه‌های آموزشی و پرورشی دانش‌آموز آسیب‌دیده بینایی.

* فراهم کردن کلاسی امن و آرام برای تمام دانش‌آموزان و همچنین دانش‌آموز آسیب‌دیده بینایی.

معلم ویژه افراد آسیب‌دیده بینایی باید با همکاری آموزگار کلاس، برنامه آموزشی عمومی مدرسه را برای دانش‌آموز آسیب‌دیده بینایی دسترس‌پذیر کند و منابع مطالعاتی و ابزارهای آموزشی را در قالب مناسب و دسترس‌پذیر برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه بینایی فراهم کند تا این دانش‌آموزان هم بتوانند به‌طور برابر و در کنار سایر همسالانشان از آموزش بهره‌مند شوند.

علوم دسترس‌پذیر؛ شیمی ۱۰۱

میثم امینی: مترجم انگلیسی

وقتی پسر کوچکش نوها، بیشتر بینایی خود را به دلیل بیماری رتینوبلاستوما^۱ی دوطرفه از دست داد، مانند بسیاری از پدران دیگر، دکتر برایان شاو، نگران تحصیل و آینده پسرش بود. او همچنین می‌دانست که اگر سرطان نوها زودتر تشخیص داده شده بود، مقدار بیشتری از بینایی او حفظ می‌شد.

یکی از نشانه‌های اولیه رتینوبلاستوما با عنوان لُکوکُوریا (سفیدی مردمک) شناخته می‌شود. شاو می‌گوید: «انعکاس نور غیرطبیعی از چشم، می‌تواند نشان‌دهنده رتینوبلاستوما، شروع آب‌مروارید، زخم شبکیه یا خون‌ریزی زجاجیه باشد. این وضعیت اغلب در موقعیت‌های کم‌نور یا در عکس‌ها دیده می‌شود.»

اغلب در عکس‌ها پدیده‌ای به نام قرمزی چشم وجود دارد که در آن فلاش از شبکیه منعکس می‌شود و دوربین آن را تشخیص می‌دهد؛ اما مورد دیگری نیز وجود دارد که با عنوان سفیدی چشم شناخته می‌شود و می‌تواند مدت‌ها قبل از تشخیص مشکل چشم ظاهر شود. سرطان نوها در چهارماهگی تشخیص داده شد؛ اما شاو با مرور عکس‌های نوزادی نوها، چشم سفید را در



عکس‌هایی که در آن‌ها پسرش تنها دوازده روز داشت، مشاهده کرد.

او می‌گوید: «ممکن است تومور او در آن زمان کوچک‌تر بوده باشد و مقدار بیشتری از دید او می‌توانست حفظ شود.» شاو با متخصصین رایانه در دانشگاه بیلر، جایی که او در آن استاد شیمی است، همکاری کرد و یک برنامه برای تلفن‌های هوشمند ایجاد کرد که گالری عکس‌های کاربر را اسکن می‌کند و به دنبال عکس‌هایی از صورت که سفیدی چشم را نشان می‌دهند، می‌گردد. این برنامه رایگان، **کریدل**^۱ نام دارد و گالری عکس‌های شما را بررسی می‌کند و هر عکسی که سفیدی چشم احتمالی را نشان می‌دهد، علامت‌گذاری می‌کند. شاو می‌گوید: «از چند تا از والدین شنیده‌ام که به من می‌گفتند که این برنامه به آن‌ها در تشخیص زودهنگام کمک کرده است.» در واقع، یک مطالعه اخیر نشان داد که این برنامه می‌تواند رتینوبلاستوما را ۱ تا ۳ ماه زودتر از معمول، تشخیص دهد و تنها یک درصد نرخ منفی کاذب دارد. شاو می‌گوید: «امیدواریم با اسکن کردن عکس‌های بیشتر، این میزان را به نزدیک به صفر کاهش دهیم.» اما شاو برای ارائه چیزی بیش از این داشت. در یکی از جشن‌های تولد نوها، دوستی پسر کوچک نابینای مطلقش را به همراه آورده بود. پروفیسور شاو با علاقه تماشا کرد که پسر چند شیء را برداشت و با دهانش آن‌ها را کاوش کرد. چند روز بعد شاو در حال خوردن توت سیاه بود و بافت آن‌ها را با زبانش بررسی می‌کرد که به ذهنش رسید که زبان چه اندام لمسی قابل توجهی است.

^۱ Cradle

هیچ‌یک از ما واقعاً نمی‌توانیم آن‌ها را ببینیم و باید از تصاویر و مدل‌ها استفاده کنیم، به‌نوعی فکر عجیبی است.»

شاو شروع کرد به استفاده از چاپگر سه‌بعدی آزمایشگاه خود برای ایجاد مدل‌های لمسی از پروتئین‌های مختلف، برخی به بزرگی خربزه؛ اما پس از دیدگاه جدید خود در مورد زبان، تصمیم گرفت به‌سمت دیگری برود.

او می‌گوید: «من شروع به چاپ مدل‌هایی به کوچکی یک بادام‌زمینی، حتی یک دانۀ برنج کردم که برای کاوش از طریق زبان طراحی شده بودند؛ همچنین برای اتصال بند ایمنی سوراخ کوچکی را به آن‌ها اضافه کردم تا خطر خفگی نداشته باشند.» شاو بسته‌ای از مدل‌های خود را برای کیت فریسر، معلم علوم در مدرسه نابینایان پرکینز فرستاد. او می‌گوید: «من مدل‌هایی از کربنیک آنهیدراز را فرستادم که داروی هدف برای کمک به درمان آب‌سیاه است.» فریسر می‌گوید: «برایم ثابت شد که این پروتئین‌های چاپ‌شده مدل‌های عملی بسیار خوبی برای کمک به دانش‌آموزان ما در درک بیشتر پروتئین‌ها و آنزیم‌ها به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نمونه‌های پروتئین هستند. من بسیار خوشحالم که چنین مدل‌های سه‌بعدی عالی برای پشتیبانی از تجربه یادگیری دانش‌آموزانمان را در اختیار دارم. آموزش چندحسی برای همه دانش‌آموزان بسیار مفید است.»

او خاطرنشان می‌کند: «زبان یکی از اولین اعضای بدن است که شکل می‌گیرد. حتی برخی از نوزادان در شرایط آزمایشگاهی، محیط خود را با زبان کندوکاو می‌کنند.» زبان چیزی است که به‌عنوان هیدرواستات شناخته می‌شود، بافتی عضلانی که توسط استخوان پشتیبانی یا محدود نمی‌شود. شاو ادامه می‌دهد: «زبان می‌تواند گوشه‌ها و شکاف‌های کوچکی که انگشتان شما نمی‌توانند به آن‌ها برسند را بررسی کند.» مراکز مغزی که تصاویر زبان و نوک انگشت را ایجاد می‌کنند، بسیار به هم نزدیک هستند و اگرچه تعداد گیرنده‌های لمسی در هر دو تقریباً یکسان است، زبان دارای وضوح لمسی ۰/۵۸ میلی‌متر است که وضوح لمس نوک انگشتان تقریباً دوبرابر آن است. شاو می‌گوید: «ما باید بدانیم چه چیزی را بخوریم و چه چیزی را از دهان خود بیرون بیندازیم؛ همچنین کاوش با زبان در رشد زبان گفتاری مهم است.» و همان‌طور که شاو آموخت، زبان حتی می‌تواند در مطالعه شیمی کمک کند. در دانشگاه بیلر، شاو پروتئین‌ها را مطالعه می‌کند: مولکول‌هایی بزرگ و پیچیده که نقش‌های حیاتی زیادی را در بدن دارند. شاو می‌گوید: «یکی از کتاب‌های درسی که من از آن استفاده می‌کنم، بیش از ۱۱۰۰ تصویر از پروتئین‌های مختلف دارد و من به فکر افتادم که چگونه کسی مانند پسر من می‌تواند آن‌ها را تجسم کند که باتوجه‌به اینکه

فردایی روشن برای نسل امروز: پای

صحبت‌های یک زوج نابینا

فاطمه جوادیان؛ کارشناس نابینایان

آموزش و پرورش استثنایی گیلان

در ماهی که گذشت روز پرشکوه معلم را پشت سر گذاشتیم. یکی از به یاد ماندنی‌ترین روزهایی که در آن تلاش می‌کنیم برای معلمان خود یا معلم فرزندان پیام قدرشناسی بفرستیم. معلم هرچه در توان دارد در طبق اخلاص می‌گذارد تا به دانش‌آموزانش بیاموزد. در میان افراد نابینا نیز چهره‌هایی هستند که خواسته‌اند روشنی‌بخش راه نسل آینده باشند. این ماه به سراغ دو نفر از افراد نابینا رفته‌ایم که علاوه بر همکاری، در مسیر زندگی نیز هم‌سفر شده‌اند.



مریم و علی ده سالی است که با هم زندگی می‌کنند. آن‌ها یک فرزند دارند و هر دو در آموزشگاه ویژه نابینایان درس می‌دهند. علی گاهی وقت‌ها مطابق با رشته تحصیلی‌اش در دانشگاه هم تدریس می‌کند. آن‌ها در همان سال‌های اول استخدام با یکدیگر ازدواج کرده‌اند. علی می‌گوید: «مثل بسیاری از خانواده‌های افراد نابینا خانواده من هم اصرار داشتند من با فرد بینا ازدواج کنم. از وقتی که تصمیم‌گیری برای انتخاب همسر آینده‌ام را خود، برعهده گرفتم، خواستم با فردی زندگی کنم که با دنیای نابینایی بیگانه نباشد. داشتن کمی بینایی یکی از ملاک‌هایم بود و البته برخورداری از مهارت‌های

شاو همچنین شروع به ساخت مدل‌های پروتئینی با استفاده از رزین دندان کرد که به او اجازه ساخت قالب‌های سیلیکونی ایمن برای مواد غذایی از ساختارهای پروتئینی را داد. او سپس این قالب‌ها را با تنقلات خوراکی مثل ژلاتین، کاکائو و حتی تافی پر کرد. او می‌گوید: «به این ترتیب، دانش‌آموزان می‌توانند در مورد پروتئین‌ها بیاموزند و وقتی کارشان تمام شد، از یک جایزه شیرین لذت ببرند.»

شاو کتاب‌های شیمی آینده را تصور می‌کند که با مدل‌های سه‌بعدی جمع‌شده در یک صفحه مقوایی همراه هستند. در عین حال او می‌گوید: «هرکسی که یک چاپگر سه‌بعدی دارد می‌تواند با استفاده از بانک اطلاعاتی پروتئین، قالب‌های خود را با قیمت حدود پنجاه سنت بسازد.»

نوها در سن ۱۳ سالگی علاقه خود را به علم نشان می‌دهد؛ اما صرف‌نظر از اینکه آیا شیمی را انتخاب کند یا نه، مدل‌های سه‌بعدی برای همه دانش‌آموزان، بینا و نابینا، مفید خواهد بود. شاو که در حال حاضر استاد راهنمای یک دانشجوی کارشناسی‌ارشد شیمی نابینا است، می‌گوید: «هدف نهایی این است که تصاویر و آزمایشگاه‌های شیمی را برای افراد با آسیب بینایی دسترس‌پذیر و ورودی و مشارکت آن‌ها را در این زمینه تشویق کنیم. شیمی و سایر علوم همیشه می‌توانند از تنوع گسترده‌تری از دیدگاه‌ها و ایده‌ها بهره‌مند شوند.»

اجتماعی، تحصیلات دانشگاهی و همچنین داشتن تدبیر لازم برای ادارهٔ خانه. حالا که همسرمان نایبانی کامل است و ما توانسته‌ایم باتکیه بر آموخته‌ها، ابتکارها و تدبیرهایمان زندگی را پیش ببریم، می‌بینم که ملاک داشتن بینایی آن‌قدرها هم مهم نبوده است».

مریم در ادامه در مورد ملاک انتخاب همسر به نکتهٔ قابل توجهی اشاره می‌کند: «خوب است ما در سنین جوانی در ابتدا خود را بشناسیم. تا کسی که وارد زندگی مشترک با ما می‌شود، بتواند خود را با ما هماهنگ کند. وقتی این هماهنگی و سازگاری رخ می‌دهد که دو نفر مکمل یکدیگر بشوند. باور کنید همهٔ این‌ها را از سر تجربه به شما می‌گویم. توضیح اینکه اگر فردی با شرایط مالی و تحصیلی خوب و ویژگی‌های شخصیتی مطلوب در کنار ما قرار بگیرد، زمانی زندگی هماهنگی در پیش داریم که او مکمل خود ما باشد و ما اگر خود را نشناخته باشیم، چطور می‌توانیم دریابیم که چه کسی با چه شرایطی می‌تواند مکمل ما باشد. ما ممکن است در کنار بهترین انسان‌ها قرار بگیریم؛ اما خودمان نتوانیم با آن‌ها سازگار شویم. در حال حاضر باید بگویم کسی که آرام باشد، کسی که به انسان احساس امنیت بدهد و مانند این‌ها را ملاک‌های مناسبی برای انتخاب همسر می‌دانم؛ البته این افکار بعد از سال‌ها تجربه و هم‌سوئی در مسیر زندگی مشترک حاصل شده که من در اختیار شما می‌گذارم تا برای جوان‌ترها مفید باشد».

برای برخی از افراد بینا این سؤال پیش می‌آید که افراد نابینا بدون دیدن چطور قادر هستند یکدیگر را انتخاب کنند. علی معتقد است بسیاری از پیام‌ها از طریق حس بینایی بین دو فرد مبادله می‌شود؛ پس در جایی که این حس وجود ندارد، انسان تلاش می‌کند سایر حواس را جایگزین کند؛ مانند دقت در شنیدن و دقت در

صحبت کردن که سبب می‌شود افراد از این طریق با یکدیگر بهتر آشنا شوند. مریم می‌گوید: «یک انسان متشکل است از ویژگی‌های ظاهری و همچنین ویژگی‌های شخصیتی. شخصاً معتقدم ویژگی‌های ظاهری تا آنجا اهمیت دارد که هر دو نفر باهم هم‌سان و هم‌خوان باشند. ساده بگویم؛ به هم بیایند. دستیابی به این ویژگی‌ها از طریق افراد قابل اعتماد در خانواده یا دوستان ممکن می‌شود. آن‌ها ارزیابی کلی خود را با ما در میان می‌گذارند و ما تصمیم می‌گیریم. من فکر می‌کنم دیدن ویژگی‌های ظاهری در آن‌هایی که قادر به دیدن هستند، به صورت ناخودآگاه احساسات مثبت یا منفی را بر می‌انگیزد. در مورد ازدواج باید بگویم که بعد از گذشت مثلاً شش ماه از آشنایی، چه افراد بینا باشند، چه نابینا، دریافت‌هایی از یکدیگر دارند که منجر به شناخت عمیق‌تر آن‌ها نسبت به هم می‌شود. در این دوران کم‌کم تمرکز از روی ظاهر به سمت شناخت ویژگی‌های اخلاقی معطوف می‌شود. به طور طبیعی زندگی ما افراد نابینا به گونه‌ای بوده است که در برخوردهای اول، این نوع برخورد است که احساس ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ نه نوع پوشش و ظاهر افراد. خواه‌ناخواه ما این قابلیت را پیدا کرده‌ایم که برای قضاوت افراد کمی بیشتر منتظر بمانیم و بعد تصمیم بگیریم که آن‌ها را در فهرست دوست‌داشتنی‌هایمان قرار دهیم یا در فهرست افرادی که برایمان جذابیتی ندارند». تقریباً بعد از دو سال کلاس‌ها به صورت حضوری برگزار می‌شوند. از آن‌ها دربارهٔ تدابیرشان در شرایط کلاس‌های آنلاین سؤال می‌کنم. هر دو از دانش‌آموزان خود می‌خواهند تکالیف خود را بنویسند و از آن‌ها مراقبت کنند تا هر چند وقت یک‌بار در جلسه‌ای حضوری به معلم خود برای بررسی تحویل دهند. علی از

علی هم دانش‌آموزان نوجوان خود را که در آستانهٔ جوانی قرار دارند، از مزایا و مشکلات زندگی افراد نابینا با یکدیگر یا با افراد بینا آگاه می‌سازد و راه‌های صحیح زندگی را برایشان توضیح می‌دهد.

در پایان مریم برایمان از احساس مسئولیتی می‌گوید که نسبت به خانواده‌هایشان دارند. مدتی است که در نزدیکی یکی از بستگانمان زندگی می‌کنیم و به اقتضای شرایط از کمک‌های آن‌ها بهره می‌بریم. وقتی بدانی بدون کمک دیگران هم می‌توانی تا حد زیادی نیازهای زندگی را برآورده کنی، حالا دیگر خودت تدبیر می‌کنی که از نزدیکانت چه نوع کمک‌هایی را درخواست کنی. انتظار من از نظام آموزشی این است که همسو با معلم تلاش کند تا بچه‌های ما افرادی قوی و مستقل پرورش یابند. به‌گونه‌ای تربیت نشوند که فکر کنند در قبال هیچ‌کس مسئولیتی ندارند و فقط دیگران باید به آن‌ها کمک کنند. من معتقدم پدر و مادرمان به‌طور ویژه‌ای برای ما زحمت کشیده‌اند. این حس احترامی که نسبت به آن‌ها داریم سبب می‌شود در حد توانمان تلاش کنیم. بعضی وقت‌ها دستان برای انجام بعضی کارها بسته است. بالاین‌حال، هر دوی ما هر کاری که قادر باشیم، برای خانواده‌هایمان انجام می‌دهیم. با اینکه آن‌ها غیر از ما فرزندان دیگری هم دارند؛ اما حواسمان به مسئولیتی هست که در قبال آن‌ها داریم. مانند پوشش بیمهٔ تکمیلی برای پدر و مادرمان، رسیدگی به وضعیت تحصیلی و علمی خواهر و برادرهای کوچک‌ترمان و از این قبیل فعالیت‌ها.

در همین‌جا برای این زوج گران‌قدر آرزوی سعادت و سربلندی می‌کنیم.

روزهایتان پر از شوق زندگی

دانش‌آموزان خود می‌خواهد نوشته‌های خود را در قالب یک پیام صوتی برایش ارسال کنند. او از شاگردانی که کم‌بینا هستند و با خودکار می‌نویسند، می‌خواهد از نوشته‌های خود عکس بگیرند و برایش بفرستند. علی هم به کمک نزدیکان عکس را بررسی می‌کند. شاگردان مریم اما کوچک هستند و او با مادرهایشان تعامل بیشتری دارد. اگر در زمان برگزاری کلاس‌ها به‌صورت حضوری دفترچهٔ دانش‌آموز را به کمک یک همکار می‌نوشت، حالا دیگر به راحتی قادر است پیام خود را بنویسد و در گروه‌های مختلف مربوط بگذارد و مطمئن باشد که مادرها تمام پیام‌ها را می‌خوانند و به آن توجه دارند. امتحان‌ها را هم بیشتر از طریق تماس آنلاین به‌صورت شفاهی برگزار می‌کنند. آن‌ها می‌گویند که برنامه شاد هرگز به‌طور کامل دسترس‌پذیر نشد. بعضی مدیران این مسئله را درک می‌کردند. بعضی دیگر هم متوجه مشکل نبودند؛ اما همکاران نابینا و حتی بسیاری از همکاران دیگر در سایر مدارس از برنامه‌های دیگری برای برگزاری کلاس‌های زنده استفاده می‌کردند که بسیار مفید بود.

حال باید ببینیم زندگی یک زوج فرهنگی نابینا چه تأثیری بر افزایش میزان آگاهی دانش‌آموزان و جامعه دارد. مریم معتقد است که زندگی با فرد بینا سبب می‌شود به کمک او بسیاری از موانع ناشی از ندیدن از سر راه ما برداشته شود. از سویی دیگر، وقتی با یک فرد نابینا زندگی می‌کنیم، با چالش‌های افراد نابینا بیشتر مواجه می‌شویم. درصدد بر می‌آییم که آن‌ها را حل کنیم. دسترس‌پذیر کردن موانع را از جامعه درخواست کنیم. به همین ترتیب شرایط مختلف دانش‌آموزانمان برایمان بیشتر قابل درک می‌شود.

دانش‌آموزان ره‌اشده در نظام

آموزش و پرورش استثنایی

ابوذر سمیعی؛ دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی

احتمالاً بیشتر شما مخاطبان این یادداشت، با آموزش و پرورش استثنایی سروکار داشته‌اید و پیه آن به نتان خورده است. خواه دانش‌آموز باشید یا معلم، خواه در بدو تولد دچار آسیب بینایی شده باشید یا دیرتر، بالاخره گذرتان به سازمان آموزش و پرورش استثنایی افتاده است. اگر بخت یارتان بوده و در چند دهه پیش دانش‌آموز مدارس استثنائی بوده‌اید، به احتمال زیاد مهارت‌های نسبتاً خوبی کسب کرده‌اید و خبر از روزگار کنونی دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه و وضعیت آموزش و پرورش ندارید.



موضوع آموزش در دانش‌آموزان دارای معلولیت، به دلیل محرومیت‌های گوناگونی که از سوی جامعه بر آنان تحمیل شده و نیز محدودیت‌های حاصل از اختلال زیستی، امر پراهمیتی است که می‌تواند آینده آنان را کاملاً تحت‌تأثیر قرار دهد. به عنوان نمونه دانش‌آموزان آسیب‌دیده بینایی قادر به کسب آموزش‌های اتفاقی به وسعت سایر دانش‌آموزان نیستند و ضروری است بسیاری از موضوعات به‌طور رسمی و ارادی به آنان آموزش داده شود. از جمله می‌توان به مهارت‌های زندگی

و نیز مهارت‌های تحرک و جهت‌یابی اشاره نمود. این مهارت‌ها که نقش حائز اهمیتی در زندگی اجتماعی افراد دارای معلولیت دارد، می‌بایست توسط خانواده‌ها و نظام آموزشی به دانش‌آموزان معلول انتقال یابد؛ اما این موضوع برای هر دوی این نهادها کم‌اهمیت است و به حاشیه رفته است.

اگرچه امروزه جداسازی دانش‌آموزان دارای معلولیت در بیشتر موارد در دنیا امری منسوخ به حساب می‌آید و تلاش شده دانش‌آموزان دارای معلولیت حتی الامکان در کنار سایر دانش‌آموزان تحصیل کنند؛ اما در کشور ما هنوز اصرار بر جداسازی است و تحصیل دانش‌آموزان به صورت تلفیقی به کندی پیش می‌رود. در این وضعیت، انتظار می‌رود مدارس ویژه (استثنایی) علاوه بر دروس عمومی دانش‌آموزان، مسائل فرادرسی را نیز به آنان بیاموزند؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد وضعیت چنین نیست.

در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته دنیا، تحرک و جهت‌یابی یکی از مهم‌ترین دروس آموزشی به حساب می‌آید و فارغ از اینکه یک دانش‌آموز دارای آسیب بینایی در مدارس خاص باشد یا معمولی، حتماً باید این آموزش‌ها را مانند سایر دروس فراگیرد. موضوعی که تا چند دهه پیش نیز به جد در مدارس ویژه نابینایان و کم‌بینایان رعایت می‌شد. امروز اما آموزه‌ای از این قسم تبدیل به مسائل حاشیه‌ای و کم‌اهمیت شده‌اند که نه تنها برای آن ساعت و سرفصل آموزشی مشخصی تعریف نشده، بلکه اجرای آن موکول شده به خواست و اراده و سلیقه اولیای مدارس. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیشتر مدارس استثنایی، برنامه معینی در رابطه با آموزش تحرک و جهت‌یابی ندارند و آن مدارس هم که احساس مسئولیت داشته و این آموزش‌ها را ارائه کرده‌اند، از

می‌نویسند. این معلم خلاق به این شیوه، خط بریل را به دانش‌آموز دارای نیاز ویژه آموزش داده بود.

وضعیت برای دانش‌آموزان تلفیقی که در مدارس غیر استثنائی یا به اصطلاح مدارس پذیرا تحصیل می‌کنند، به مراتب بدتر است. تجربه نشان می‌دهد این دانش‌آموزان به دلیل جدایی از شبکه هم‌نوعان، نیاز بیشتری به آموزش‌های ویژه دارند. همه این آموزش‌ها نیز به عهده معلم رابط و نیز مدارس پشتیبان (مدارس استثنائی که وظیفه خدمات‌دهی به دانش‌آموز مربوطه را دارند) گذاشته شده؛ اما به همان دلایلی که رفت، یا آموزشی ارائه نمی‌شود یا کیفیت آموزش آن‌قدر پایین است که عملاً تأثیری در زندگی این افراد ندارد. به عنوان نمونه، معلمان رابط ساعت مشخص آموزشی ندارند و مجبور هستند در ساعات اضافه با دانش‌آموز کار کنند یا از ساعت دروسی که از نظرشان کم‌اهمیت است، بزنند. در این ساعات محدود نیز چنین آموزش‌هایی ضروری به نظر نمی‌رسد و معلمان رابط و سایر معلمان و حتی خود دانش‌آموز دارای نیاز ویژه ترجیح می‌دهند این وقت را صرف دروس به ظاهر پراهمیت کنند؛ البته در این میان تأثیر متقابل خانواده و مدرسه را نمی‌توان نادیده گرفت. مدارس، خواه مدارس استثنائی یا پذیرا، در جلسات آموزشی که با خانواده‌ها دارند، هیچگاه موضوع مهارت‌های ضروری برای افراد دارای معلولیت را برجسته نکرده‌اند و چندان به آن نپرداخته‌اند. متقابلاً خانواده‌ها نیز موضوع درس و مشق را برای فرزند خود حیاتی می‌بینند و فقط روی آن سرمایه‌گذاری می‌کنند.

ساعات آموزشی دروسی مانند ورزش یا هنر کم کرده و به صورت بسته‌وگریخته به این موضوع پرداخته‌اند. وضعیت مهارت‌های دیگر مانند مهارت‌های زندگی نیز به همین منوال است و عملاً دانش‌آموزان مهارت خاصی از زندگی نمی‌آموزند.

موضوع تنها به مسائل فوق درسی ختم نمی‌شود. در بسیاری از مدارس، یادگیری خط بریل برای دانش‌آموزان نابینا و کم‌بینا تبدیل به معضل بزرگی شده که روزبه‌روز به پیچیدگی‌های آن افزوده می‌شود. در موارد فراوانی دانش‌آموز نابینا یا کم‌بینا از یادگیری خط ویژه خودش نیز محروم شده یا در پایین‌ترین کیفیت آن را دریافت می‌کند.

نکته دیگر در خصوص انگیزه و دانش معلمان است. ضمن احترام بالایی که برای همه معلمان دلسوز آموزش و پرورش، به ویژه معلمان مدارس استثنائی قائلیم و قدردان زحمات آنان هستیم، نمی‌توان از این موضوع صرف نظر کرد که در وضعیت کنونی، بسیاری از معلمان از موقعیت اجتماعی و اوضاع معیشتی خود ناراضی هستند و این موضوع انگیزه آنان را برای خلاقیت و تلاش تا حدودی کاهش داده است؛ همچنین معلمانی که از دانش لازم به ویژه در حوزه افراد دارای معلولیت برخوردار نیستند نیز مزید بر علت شده‌اند. این موضوع که برخی از معلمان مدارس نابینا، آشنا به خط بریل نیستند، خود یک فاجعه آموزشی است که هیچ توجیهی ندارد. شاید برایتان قابل باور نباشد؛ اما معلم یکی از دانش‌آموزان نابینا، در آموزش خط بریل به او گفته بود خط بریل فارسی را از راست و انگلیسی را از چپ

مهارت‌های غیردرسی موردنیاز دانش‌آموزان دارای معلولیت، موضوعات متنوعی را شامل می‌شود که تأثیر فراوانی بر استقلال و اجتماعی‌شدن این افراد دارد. به‌ویژه در خصوص آسیب‌دیدگان بینایی، آموزش این مهارت‌ها باید مستمر و در کنار برنامه‌ی درسی اتفاق بیفتد. ضروری است آموزش‌وپرورش استثنایی با تدوین برنامه‌های مشخص درسی و اختصاص ساعت درسی به آن، زمینه‌ی آموزش مداوم مهارت‌های موردنیاز آنان را فراهم آورد. به‌ویژه جدیت در اجرا و ارزیابی چنین سیاست‌هایی می‌تواند موجب بهبود و اصلاح آن شده و رفته‌رفته جزو دروس اساسی دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه گردد.

خانواده‌ها نیز با قائل‌بودن اهمیت بیشتر برای این موضوع، می‌بایست از سویی خود اقدام به کسب اطلاعات و آموزش مهارت‌های خاص به فرزند خود کنند و از سوی دیگر، با مطالبه‌ی آموزش این مهارت‌ها از نظام آموزشی، موجب اجرای بهتر و دقیق‌تر این مهارت‌ها شوند. امید که این خواسته‌ها جامه‌ی عمل به تن کرده و دانش‌آموزان دارای نیازهای ویژه به هنگام ورود به بازار کار یا دانشگاه، سردرگم و ناتوان نباشند.



ایشان با این تصور که مهارت‌های ضروری برای معلولان، به‌طور خودکار در آینده حاصل خواهد شد و نیازی به آموزش آن نیست، فرزند دلبندشان را لای‌پر قو بزرگ می‌کنند و صرفاً از او می‌خواهند درس بخواند و ریاضی و فیزیک بیاموزد؛ حتی این موضوع برای برخی خانواده‌ها نوعی ارزش به‌شمار می‌آید که همه‌جا همراه و مراقب فرزندشان هستند و لحظه‌ای او را تنها نمی‌گذارند.

مسئله‌ی دیگری که بسیار حائز اهمیت است، ساختار کلی وزارت آموزش‌وپرورش به‌طور عام و سازمان آموزش‌وپرورش استثنایی به‌طور خاص است. تجربه نشان می‌دهد نگاه‌های پزشکی و کمی به معلولیت در این وزارتخانه، باعث شده موضوع افراد دارای معلولیت و تحصیل آنان امری مجزا و با اهمیت کمتر به‌حساب بیاید. انحلال و احیای آموزش‌وپرورش استثنایی در کمتر از یک دهه، تغییر مداوم مدیران این سازمان و انتصاب افرادی که تخصصی در موضوع آموزش کودکان دارای نیازهای ویژه ندارند و مواردی از این قسم نشان می‌دهد موضوع دانش‌آموزان دارای معلولیت چندان موردتوجه تصمیم‌گیران و سیاست‌گذاران کلان نیست و با تفکیک آن گویی خواسته‌اند از زحمت خود بکاهند و باقوت به دانش‌آموزان غیرمعلول بپردازند. دسترس‌پذیر نبودن اپلیکیشن شاد، مشتی نمونه‌ی خروار است. نیز شاهکار نوین وزارت آموزش‌وپرورش، سامانه‌ی ثبت‌نامی سیدا است که جایگزین سامانه‌ی سنم شده و با درنظرنگرفتن افراد دارای معلولیت در فرایند ثبت‌نام، مشکلات فراوانی برای دانش‌آموزان و مدارس ایجاد کرده است.

مهمانی رفتن افراد نابینا و کم‌بینا

مسعود طاهریان: کارشناس ارشد

روان‌شناسی کودکان استثنایی

شناسایی

باید شرایط مهمانی را بررسی کنیم و ببینیم: محل مهمانی کجاست؟ آنجا را می‌شناسیم؟ جو صمیمی دارد یا رسمی؟ تا حالا به آنجا رفته‌ایم و میزبان و سایر مهمان‌هایش را می‌شناسیم؟ رویداد شاد (مانند عروسی) در آن جریان دارد یا غمگین (مانند تشییع جنازه)؟ فضا کاری، دوستانه یا خانوادگی است؟ مهمانی از نظر جنسیت، جدا است یا مختلط؟ قرار است شب بمانیم یا برگردیم؟ با در نظر گرفتن این نکات، تصمیم می‌گیریم به مهمانی برویم؛ تا کی بمانیم، چه بپوشیم و چه وسیله‌ای برداریم. می‌توانیم از میزبان یا مهمان دیگری که با او صمیمی هستیم، شرایط کلی مهمانی را بپرسیم. اگر نتوانستیم بفهمیم مهمانی چه حال‌وهوایی دارد، باید خود را برای دامنه‌ای از شرایط آماده کنیم؛ چیزی را بپوشیم و وسیله‌ای را برداریم که در هر شرایطی، لذت ببریم و معذب نباشیم و بتوانیم آن را متناسب با موقعیت، عوض یا استفاده کنیم و چیزی را (خوردنی یا فعالیت) که باب میل ما نیست، محترمانه رد کنیم.

باید از قبل بدانیم چه لباس‌ها و زیورآلاتی داریم و چطور با یکدیگر، ترکیب دل‌چسبی پیدا می‌کنند و در انتخابمان، فضای مهمانی را در نظر بگیریم. باید تا حدی از مُد و پوشش رایج جامعه و گروه‌های سنی مطلع باشیم و اصول کلی تناسب رنگ‌ها و طرح‌ها را بلد باشیم و بدانیم چه تیپ و ظاهری به ما بیشتر می‌آید. برای این کار می‌توانیم از بازخورد اعضای خانواده، دوستان و فروشنده‌های باحوصله و باسلیقه استفاده کنیم؛ مطالب

وبسایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی درباره‌ی مد و لباس مفید است و با کمک تماس تصویری یا نرم‌افزار [Be - My Eyes](#) هم می‌توانیم نظر افرادی را بپرسیم که کنارمان نیستند؛ همچنین باید در خرید لباس‌ها، زیورآلات و لوازم‌آرایش توجه کنیم که مشخصه‌ی لمسی (مانند شکل، جنس، مارک، جیب، دکمه، زیپ و...) داشته باشند و از یک نوع، چند دست نگیریم تا بتوانیم به‌تنهایی، آن‌ها را تشخیص دهیم؛ حتی می‌توانیم لباس‌های ست را روی یک آویز لباس بگذاریم.

قبل از مهمانی، حواسمان باشد که سر، صورت، دهان، بدن، لباس و کفشمان آراسته، تمیز، خوش‌بو، مرتب و اتوکشیده باشد. وسایل ضروری خود را (مانند دستمال کاغذی، دارو و لوازم‌آرایش) برداریم و اگر قصد داریم شب بمانیم، متناسب عادت‌هایمان (مانند حمام رفتن روزانه) وسایل راحتی خود را (مانند مسواک، لباس راحت، حوله و وسیله‌ی اصلاح صورت) در کیفمان بگذاریم. اگر هم می‌خواهیم [هدیه‌ای برای میزبان بخریم](#)، خوب است آن را از قبل گرفته باشیم.

وقتی از مهمانی برمی‌گردیم، باید دستی روی لباس‌هایمان بکشیم و ببینیم کثیف نشده یا آسیب ندیده باشند و اگر لازم است، تمیز و تعمیرشان کنیم. لباس‌ها و وسایلمان را (مانند شلوار، کفش و عینک) به‌طور منظم بشوئیم و تمیز کنیم. تیپمان را هم بعد از چند روز برای تنوع، عوض کنیم.

رفتن و برگشتن

اول باید از میزبان بخواهیم که نشانی دقیق و موقعیت مکانی (Location) مهمانی را برای ما بفرستد تا بتوانیم با کمک ره‌گدازان، نرم‌افزارهای مکان‌یاب ([مانند مسیر یاب نشان](#)) یا تاکسی‌های اینترنتی آنجا را پیدا کنیم. وقتی به محل مهمانی رسیدیم، اگر مراسم در یک

مترو برویم. در بین جمع صمیمی، افراد هم‌مسیر با خود را پیدا کنیم و بپرسیم آیا می‌توانند ما را تا جایی برسانند.

پذیرایی شدن

در مهمانی باید خودمان را به‌عنوان یک فرد با آسیب‌بینایی معرفی کنیم و نیازهایمان را به‌عنوان یک نابینا یا کم‌بینا بگوییم. این کار شرایط را برای ما راحت‌تر می‌کند و به دیگران کمک می‌کند تا بفهمند که چطور با ما برخورد کنند. قبل از اینکه پذیرایی شروع شود، باید بدون اینکه اطرافیان خود را اذیت کنیم و چیزی را بیندازیم، محیط و وسایل اطراف خود را آرام لمس و شناسایی کنیم و حواسمان به چیزهایی (مانند بشقاب و لیوان) باشد که جلویمان است تا با یک حرکت ناگهانی آن‌ها را نریزیم. وقتی چیزی را جلویمان می‌گیرند و تعارف می‌کنند، باید بپرسیم که آن چیست و بعد یک دستمان را آرام بالا بیاوریم تا لبهٔ زیرین ظرف و سینی را پیدا کنیم و با دست دیگر آرام گوشه‌ترین، جلوترین و روتترین چیز را که می‌خواهیم (مانند میوه و قند) برداریم و آن‌ها را زیاد دستمالی نکنیم. نباید کمک دیگران را برای برداشتن اقالام پذیرایی (مانند نوشیدنی) رد کنیم و باعث ایجاد تنش شویم. اگر برداشتن و انتخاب چیزی (مانند شیرینی) برای ما سخت است، باید از میزبان یا فرد کناری‌مان بخواهیم آن را جلویمان بگذارد و دستمان را روی آن بگذارد تا بفهمیم کجاست. وقتی به چیزی (مانند آب یا دستمال)، نیاز داریم و نمی‌دانیم کجاست، باید بدون رودربایستی از میزبان یا فرد کنارمان بخواهیم که آن را به ما بدهد.

سر سفره یا میز غذا، اول باید کنار کسی بنشینیم که با او راحت هستیم و می‌توانیم از او کمک بگیریم. بعد آرام جلوی خود را دستی بکشیم و از کناری‌مان پرس‌وجو کنیم تا بفهمیم چه چیزهایی (مانند قاشق، چنگال یا

ساختمان است، می‌توانیم از میزبان یا رانندهٔ تاکسی و اگر مراسم در یک رستوران، تالار یا کافه است، می‌توانیم از یک مهمان یا گارسون بخواهیم ما را تا محل برگزاری همراهی کنند. برای متوجه‌شدن گذر زمان در مهمانی، می‌توانیم از اعلان‌های صوتی دوره‌ای ساعت‌های بریل، گویا و هوشمند مچی یا صفحه‌خوان گوشی همراه استفاده کنیم؛ حتی اگر به روند مهمانی (مانند جمع‌کردن سفرهٔ غذا یا خستگی میزبان) توجه کنیم، می‌توانیم زمان را تخمین بزنیم.

اگر کمی زودتر برسیم، مهمانی هنوز شلوغ نیست و می‌توانیم از دیگران کمک بگیریم تا محیط را بشناسیم. به‌علت نبود موانع (مانند میزها و اقالام پذیرایی)، راحت حرکت می‌کنیم. دستمان در انتخاب محل نشستن باز است. محل مناسبی برای گذاشتن وسایل خود (مانند کفش، کیف یا کت) پیدا می‌کنیم و می‌توانیم به‌خوبی، محل آن‌ها را (مثلاً در جاکفشی یا جالباسی) نشانه‌گذاری کنیم. افرادی را که در مهمانی هستند یا کم‌کم اضافه می‌شوند، با یک احوال‌پرسی ساده می‌شناسیم و می‌بینیم کجا نشسته‌اند. می‌توانیم نقش فعال‌تری هم در کمک‌کردن به میزبان داشته باشیم؛ همچنین باید به‌موقع مهمانی را ترک کنیم و بدانیم چطور برگردیم تا مزاحمتی برای دیگران درست نکنیم. آدرس دقیق و موقعیت مکانی مقصدمان را (مانند خانه) داشته باشیم. زمان و مسیر حرکت وسایل نقلیهٔ عمومی منتهی به مقصد را بدانیم. از قبل موقعیت مکانی‌اش را در اپلیکیشن تاکسی‌های اینترنتی ([مانند اسنپ](#)) ذخیره کرده باشیم یا به شماره تلفن ۱۶۳۰ [تپسی](#) زنگ بزنیم تا بتوانیم بعد مهمانی خودمان ماشین بگیریم. با کمک دیگران، تاکسی بگیریم یا به اولین ایستگاه اتوبوس و

کاسهٔ ماست) مقابلمان وجود دارد و کجا هستند. برای کشیدن خوراکی‌ها (مانند دوغ، سالاد، سوپ یا برنج) از ظرف اصلی (مانند پارچ یا دیس) از فرد کناری‌مان کمک بگیریم و به او بگوییم، ظرفمان را کامل پر نکند تا چیزی را نریزیم. قبل شروع، با انگشت، قاشق و چنگال ببینیم که چه چیزهایی (مانند ته‌دیگ) در کجای بشقابمان است. موقع برداشتن چیزی با قاشق، پشت قاشق را به لبهٔ ظرف یا چنگال بمالیم و موقع استفاده از چنگال، کمی آن را بالای ظرفمان تکان دهیم تا چیزی نریزد. حین خوردن مرغ، ماهی یا کباب، آن‌ها را با چنگال نگه داریم و با قاشق تکه کنیم و استخوان‌هایشان را با دست برداریم. اگر تکه کردن آن‌ها برایمان سخت است یا نمی‌دانیم یک غذای جدید را چطور بخوریم، بدون خجالت بخواهیم که راهنمایی‌مان کنند. دستمال کاغذی هم داشته باشیم تا انگشت‌ها، لب‌ها و دوروبر بشقابمان را تمیز کنیم.

حضور مؤثر



هرکسی برای داشتن حضور فعال، توانایی‌های خاص خود را دارد. باتوجه‌به فضای کلی مهمانی، می‌توانیم با دیگران حرف بزنیم و شوخی کنیم. آواز بخوانیم. داستان و خاطره تعریف کنیم. شعر بخوانیم. پیشنهاد بازی‌های کلامی و گروهی (مانند جوکر) بدهیم. ابزارهای بازی مناسب‌سازی‌شده برای افراد با آسیب بینایی (مانند پاسور، شطرنج، منج، دومینو) ببریم و با دیگران بازی کنیم. ساز بزنیم. به میزبان پیشنهاد بدهیم در پهن یا جمع کردن سفره، تمیزکردن و چیدن میز غذا، بردن ظرف‌ها، پوست و خردکردن خوراکی‌ها، جاروزدن، شستن و خشک کردن میوه و ظرف‌ها کمک کنیم.

سخن آخر

روی درخواست‌ها و کارهایمان (مانند کمک کردن یا برداشتن چایی) اصرار نداشته باشیم و میزبان یا دیگران را معذب نکنیم و لحن و رفتارهایشان را (مانند مکث‌ها و تردیدها) در نظر بگیریم؛ همچنین تیپ و ظاهر مناسب، اعتمادبه‌نفس و پذیرش اجتماعی ما را افزایش می‌دهد. می‌توانیم تنها با تمیز و آراسته کردن قابلیت‌های بدن خودمان (مانند صافی یا فری مو) یک ظاهر بامزه پیدا کنیم و نیاز به آرایش و تغییر زیاد نیست. در مهمانی احتمال دارد اتفاق‌های ناخوشایند برای هرکسی بیفتد. نباید قضاوت سخت‌گیرانه داشته باشیم. اگر مسئله‌ای پیش آمد، هول نشویم و با بی‌قراری دست و بدن

بر مدارِ مدارِ صفر و یک: گفت‌وگوی

نشریهٔ نسل مانا با شادیار خدایاری؛

برنامه‌نویس نایینا و دارای مدرک

کارشناسی‌ارشد مهندسی نرم‌افزار

کامپیوتر

میرهادی نایینی‌زاده: دانشجوی دکتری

پژوهش‌های قرآنی



از چه زمانی به کار برنامه‌نویسی علاقه‌مند شدید و کی به این نتیجه رسیدید که این کار را می‌توانید به‌صورت حرفه‌ای و برای کسب درآمد دنبال کنید؟»

«برنامه‌نویسی یکی از دو موضوعی بود که من از دوران نوجوانی به آن علاقه نشان می‌دادم. قسمت دوم پاسخ شما از نظر من دو جنبهٔ متفاوت دارد؛ یک جنبهٔ شخصی که کاملاً برای من منوط به شرایط زمان خودم می‌شد که در آن نگرش تخصصی کنونی به مقولهٔ برنامه‌نویسی کمتر رواج امروز را داشت. از لحاظ فنی، کار به نسبت شرایط و فضایی که در آن وارد می‌شود، متفاوت است. باید بگویم سطوح برنامه‌نویسی و ملزومات آن، کاملاً مشخص هستند و هر برنامه‌نویسی بنا به سطح کاری خود، توانایی کارکردن در این زمینه را پیدا می‌کند.»

«به تغییراتی اشاره کردید که از زمان ورود شما به این عرصه تاکنون به وجود آمده‌اند. آیا این تغییرات بیشتر برای نایینیان سودمند بوده است یا مسائل بیشتری را برای آن‌ها ایجاد کرده است؟»

خودمان را تکان ندهیم تا مشکل بیشتر نشود. حتماً برای رفع اتفاق پیش‌آمده از دیگران کمک بگیریم. اگر هم مهارت‌های تحرک و جهت‌یابی در کنار حرکت ظریف و آرام دست و بدن خود را تقویت کنیم، بروز این مشکلات کاهش پیدا می‌کند. در محیط‌های ناشناس، دستان را حائل صورتمان کنیم. حتماً عصای سفید همراه داشته باشیم و در راه‌پله‌ها، راهروها، رستوران و کافه از آن

استفاده کنیم. وقتی وارد مهمانی شدیم از میزبان یا مهمان دیگر بخواهیم تا نواحی مختلف محیط را (مانند محل سیگارکشیدن، تلفن‌زدن یا خواباندن نوزاد) به ما نشان دهد. قبل از اینکه جایی بنشینیم، دستی آنجا بکشیم تا روی فردی یا چیزی ننشینیم. اگر می‌خواهیم به جایی برویم (مانند آشپزخانه یا دستشویی) از دیگران بپرسیم و اگر پیداکردنش سخت است، بخواهیم همراهی‌مان کنند تا سریع‌تر، بدون آسیب و جلب‌توجه به آنجا برسیم. اگر هم شرایط مهمانی قابل‌تحمل نبود (مانند نور کم یا صدای بلند موسیقی)، می‌توانیم از میزبان عذرخواهی کنیم و بعد از مدتی آنجا را ترک کنیم.

از میان صداهایی که در پاسخ به پنجمین فراخوان محک تجربه ارسال کردید، پیام سرکار خانم شیدا صلواتی برگزیده شد و یادگاری نسل مانا را دریافت کردند. صحبت‌هایشان زیر این مقاله در وب‌سایت نسل مانا آمده است؛ همچنین دربارهٔ موضوعات بالا با دو نفر از نایینیان مجرب گفت‌وگو شده است که انتهای این نوشته می‌توانید به فایل صوتی آن گوش بدهید.

«یک برنامه‌نویس نابینا برای به‌دست‌آوردن شغل مناسب چه ملزوماتی را باید در نظر بگیرد؟»

«موفقیت در این کار مستلزم داشتن سوابق کاری و دانش فنی متناسب است. سنجش دانش فنی افراد از طریق مصاحبه‌هایی کاملاً تخصصی انجام می‌شود. توصیه می‌کنم برای به‌دست‌آوردن شرایط مطلوب کاری و دانش فنی بیشتر، ابتدا دوستان در قالب کارآموزی وارد حرفه برنامه‌نویسی بشوند.»

«اگر قرار باشد به‌عنوان یک برنامه‌نویس مجرب نابینا، برای افراد علاقه‌مند به این حوزه نقشه راهی ترسیم کنید، این کار را چطور انجام می‌دهید؟»

«اولین چیزی که در این رابطه باید بگویم این است که با یک فرایند سخت و زمان‌بر روبه‌رو هستند. ابتدا بر اساس نوع کاری که می‌خواهند در آینده انجام دهند، باید یک زبان برنامه‌نویسی مرتبط را بیاموزند. در مرحله بعد، لازم است مطالعات زیادی در رابطه با دانش عمومی کامپیوتر داشته باشند. ضروری می‌دانم به اهمیت یادگیری زبان انگلیسی به‌عنوان مرجع اصلی آموزش کامپیوتر و همین‌طور لزوم مطالعه همیشگی و به‌روزر بودن اطلاعات فناورانه یک برنامه‌نویس تأکید کنم.»

«چه تفاوت‌هایی میان کار یک برنامه‌نویس نابینا با سایر افرادی که در این حوزه مشغول به کار هستند، وجود دارد؟»

«از عمده مشکلاتی که در کار ما پیش می‌آید، دسترسی‌پذیر نبودن برخی نرم‌افزارهایی است که در هنگام کار از آن‌ها استفاده می‌شود. در اغلب موارد، راه‌های جایگزینی برای این معضل می‌توان یافت؛ ولی

«اولاً به دلیل عدم اشراف کامل به همه علوم کامپیوتری، نمی‌توانم پاسخی قطعی به پرسش شما داشته باشم؛ اما می‌توانم این‌قدر اشاره کنم که تخصصی‌شدن امور برنامه‌نویسی باعث شده است که دیگر انتظار دانستن تمام فنون کار، امری محال به‌نظر برسد و این کار را برای نابینایانی که توان کارکردن با مقولات گرافیکی را ندارند و می‌توانند در سایر امور مشغول به کار باشند، راحت‌تر می‌کند؛ البته و صدالبته محدودیت‌هایی در کار هست که حتماً به آن‌ها خواهیم پرداخت.»

«شما دارای مدرک مهندسی کامپیوتر هستید. باتوجه‌به کمتر شدن دیدتان در زمان تحصیل، چه مسائلی برای اخذ این مدرک داشتید؟ آیا مسیر تحصیلی خود را به سایر نابینایان پیشنهاد می‌کنید؟»

«یکی از اصلی‌ترین مسائلی که من به‌ویژه در دوران ارشد داشتم، نبود منابع صوتی یا مکتوب فارسی برای نابینایان بود. از آنجاکه اکثر منابع درس‌های ما از متون انگلیسی برگردانده می‌شد، من می‌کوشیدم با یافتن منابع اصلی و مطالعه آن‌ها بر این مشکل فائق بیایم؛ البته انجام این کار مشکلاتی هم برای من ایجاد کرد که یکی از آن‌ها عدم آشنایی با معادل‌های فارسی اصطلاحات و نیاز به پرسیدن از اساتید درباره معادل‌های انگلیسی در جلسات امتحان بود. به‌نظر من، اگر کسی در سراسر دنیا برنامه‌نویسی را از منظر کسب درآمد مدنظر داشته باشد، داشتن یک مدرک تحصیلی مرتبط با کامپیوتر برای او ضروری نیست؛ اما بسیار مهم است که یک مدرک دانشگاهی داشته باشد که نداشتن مدرک دانشگاهی کارایی را برای متقاضیان بسیار دشوار می‌کند.»

کشور ما وجود عملی ندارد. در چنین موقعیتی تمام مسئولیت بر دوش خود افراد معلول است؛ البته نمی‌توانم از عنصر شانس در این کار عبور کنم.»

«نابینایان در چه عرصه‌هایی از برنامه‌نویسی می‌توانند موفق‌تر باشند؟»

«در برخی از موارد، تفاوت سرعت کار افراد نابینا با همکارانشان کاملاً مشهود است. اگر مواردی را که نابینایان امکان ورود به آن‌ها ندارند، نادیده بگیریم، افراد نابینا باید وارد بخش‌هایی بشوند که لااقل تفاوت سرعت کارشان با سایرین قابل اغماض باشد.»

«از اینکه در این گفت‌وگو مشارکت داشتید از شما سپاسگزارم. به عنوان سخن پایانی چه توصیه‌ای برای علاقه‌مندان نابینای حرفه خودتان دارید؟»

«در پایان باید خدمت مخاطبین شما بگویم: اگر قصد ورود به این حوزه را دارید، باید سخت‌کوش باشید و انتظار هرگونه مسئله‌ای را در کار خود داشته باشید. به هیچ‌وجه نباید ناامید شوید و اصلاً منتظر هیچ‌گونه ارفاقی در دنیای بی‌رحم واقعی کار را نداشته باشید. از طرف دیگر، می‌خواهم دوباره بر این نکته تأکید کنم که بهترین بودن در هر زمینه کاری، از مهم‌ترین لوازم یک نابینای موفق در انجام امور خود است.»

آنچه خواندید، خلاصه‌ای از گفت‌وگوی نسل مانا با شادیار خدایاری، برنامه‌نویس نابینا بود. می‌توانید مشروح این گفت‌وگو را در قالب یک فایل صوتی ۵۵ دقیقه‌ای ذیل همین نوشته در وبسایت نسل مانا بشنوید.

مواردی هم پیش می‌آید که انجام یک کار خاص برای نابینایان غیرممکن می‌شود. تفاوت مهمی که کار نابینایان با سایرین دارد این است که صفحه‌خوان‌ها بخش جدانشدنی کار ما با کامپیوتر هستند که استفاده از آن‌ها معایب و مزایای خاص خود را دارد. صفحه‌خوان‌ها می‌توانند در به‌دست‌دادن یک درک درست از حروف و ارقام به نابینایان کمک کنند؛ ولی معمولاً معایبشان بر مزایایشان می‌چربد.»

«چه مسائلی برای نابینایان برنامه‌نویس در مواجهه با کارفرمایان بینا پیش می‌آید؟»

«انجام یک پروژه مستلزم مواردی است که به دلیل وجود عناصر گرافیکی در آن‌ها، یک نابینا نمی‌تواند ۰ تا ۱۰۰ آن‌ها را برعهده داشته باشد. به همین دلیل یک کارفرما ترجیح می‌دهد کار خود را به کسی بسپارد که نیاز به نفر دومی برای اعمال برخی موارد نداشته باشد. پس، گرفتن پروژه برای افراد نابینا فقط در صورتی امکان دارد که آن‌ها هم روابط قوی کاری برقرار کنند و هم البته در مواردی که می‌توانند عهده‌دار کاری شوند، یک‌سروگردن از همکارانشان قوی‌تر باشند. از نظر تجربی باید به شما بگویم: اعتماد به افراد نابینایی که حتی دانش و تبحر بیشتری از سایرین دارند هم بسیار امر نادری است. کارفرمایان دلایل خود را برای عدم‌پذیرش نابینایان دارند و در اغلب اوقات هم از بیان آن‌ها امتناع می‌کنند. برخلاف کشورهای توسعه‌یافته، مشوق‌های دولتی برای استخدام افراد معلول هم در

بهترین شکل با کسی آشنا شد و افراد با آسیب بینایی، با چه چالش‌های مضاعفی در این موقعیت مواجه‌اند؟

آشنایی از راه دوستی

مردم تمایل دارند با کسانی که علایق مشابهی دارند، معاشرت کنند؛ بنابراین اگر با کسی دوستان مشترکی دارید، این احتمال وجود دارد که علایق و ویژگی‌های شخصیتی مشترکی نیز داشته باشید. دوستی با طرف مقابل پیش از شروع یک رابطه به شما کمک می‌کند تا ندانسته خود را در یک موقعیت ناآشنا نیندازید. این دوستی به شما اجازه می‌دهد تا بر نقاط قوت و ضعف یکدیگر واقف گردید و می‌توانید پیش از ورود به رابطه، انعطاف خود را در مواجهه با آن شخص بسنجید.

آشنایی در گروه‌ها و دوره‌های سرگرم‌کننده

حضور در گروه‌های سرگرم‌کننده راهی عالی برای آشنایی با دیگران است. برای مثال می‌توان به گروه‌های دانشجویی، ورزشی، مطالعاتی و دوره‌های افراد با آسیب بینایی اشاره کرد. در این گروه‌ها شما نقطه مشترکی دارید که شروع خوبی برای یک مکالمه است؛ همچنین از آنجایی که مرتباً در قالب گروه با هم تعامل دارید، به شما این امکان را می‌دهد که قبل از تصمیم‌گیری برای شروع قرارهای ملاقات، بیشتر یکدیگر را بشناسید.

آشنایی در فضای مجازی

آشنایی آنلاین به بخشی جداناپذیر از اتفاقات عصر دیجیتال تبدیل شده است. در واقع، از هر پنج رابطه، یکی آنلاین شروع می‌شود. آشنایی به صورت آنلاین نقش شانس یا جغرافیا را در یافتن شریک عاطفی کاهش می‌دهد و دنیای کاملاً جدیدی را به روی فرد می‌گشاید.

روابط عاطفی؛ از آشنایی تا تنظیم قرار

ملاقات

امین عرب؛ آموزگار آموزش و پرورش استثنایی

فارس

یافتن شریک عاطفی و رفتن به اولین قرار ملاقات، کاری پرچالش است. چه برای افراد بینا و چه افراد با آسیب بینایی. در چنین شرایطی سوالات مختلفی به ذهن هرکس می‌رسد؛ مثل اینکه «چگونه با کسی آشنا شوم؟»، «کجا برویم؟»، «در چه مورد صحبت کنیم؟»، «اگر احساسی بین ما شکل نگرفت، چه‌طور؟»؛ اما روابط عاطفی و قرارهای ملاقات برای اشخاص با آسیب بینایی موانع بیشتری را در بر دارند. از مکان‌های دسترسی‌ناپذیر برای ملاقات گرفته تا کنارآمدن با تغییراتی که این شرایط می‌تواند در پویایی یک رابطه به وجود آورد. در اینجا نکاتی برگرفته از تجربیات افراد با آسیب بینایی برای یافتن شریک عاطفی و مدیریت قرارهای ملاقات ارائه شده است که می‌تواند در این زمینه به شما کمک کند.

چگونه با کسی آشنا شویم؟

بارها شنیده‌ایم که افراد در فضای حقیقی یا مجازی با هم آشنا می‌شوند. هرکدام از این دو شیوه، مزایا و معایب خاص خود را دارد.

ملاقات در محیط‌های حقیقی

باتوجه به اینکه حدود ۶۰ درصد از افراد ۱۸ تا ۳۴ ساله با شریک زندگی خود از طریق دوستان یا در محیط‌های اجتماعی آشنا شده‌اند، به نظر می‌رسد آشنایی به روش قدیمی (آشنایی حضوری) هنوز گزینه ترجیحی برای آشنایی و قرار ملاقات است. حال چگونه می‌توان به

از شما دارند، احساس آسیب‌پذیری و حساسیت بیشتری داشته باشید؛ همچنین ممکن است به شما این احساس را بدهد که دارید خود را با آسیب بینایی‌تان تعریف می‌کنید. از سوی دیگر ذکر آن می‌تواند کمک کند افرادی که آسیب بینایی شما را نمی‌پذیرند، همین اول کنار بروند؛ همچنین می‌تواند از بروز استرسی که در آینده برای مطرح کردن این موضوع به وجود خواهد آمد، یا از احساس صادق نبودن با طرف مقابل جلوگیری کند. در نهایت، می‌توان گفت که هیچ زمان مشخص درستی وجود ندارد، هر زمان راحتید آن را مطرح کنید. این کاملاً به دیدگاه شما بستگی دارد.

در اولین قرار ملاقات چگونه باشیم؟



در روان‌شناسی اصلی به نام اثر تقدم وجود دارد که طبق آن نخستین تجربیات ما در مواجهه با شخص دیگر از تجربیات بعدی اثربخش‌تر و مهم‌تر است. به همین دلیل، افراد سعی می‌کنند در اولین قرار ملاقات، بهترین خودشان باشند. ممکن است توجه به موارد زیر بتواند به شما در نشان دادن بهترین تصویر از خودتان کمک کند:

- بهترین لباس‌هایتان را بپوشید و از تمیز بودن آن‌ها مطمئن شوید. در انتخاب لباس و ست کردن رنگ‌ها می‌توانید از خانواده یا دوستان خود کمک بگیرید. توجه به آرایش، مدل موها و استفاده از عطر را فراموش نکنید

شبکه‌های اجتماعی از جمله ابزارهایی هستند که برای آشنایی با افراد جدید به کار می‌روند. اینستاگرام یکی از پرمخاطب‌ترین و محبوب‌ترین این ابزارها به‌شمار می‌آید؛ اما باتوجه‌به اینکه تمرکز آن بیشتر بر تصاویر و ویدئوها است، بسیاری از افراد با آسیب بینایی تمایل زیادی به استفاده از آن ندارند؛ همچنین در نسخه‌های اخیر نرم‌افزار تلگرام، قابلیت جدیدی با عنوان (افراد نزدیک شما) افزوده شده است که با فعال کردن آن می‌توانید با آدم‌های جدیدی که در نزدیکی محل زندگی شما هستند، آشنا شوید. خوشبختانه استفاده از این قابلیت کاملاً دسترسی‌پذیر است. کلاب‌هوس نیز با متمرکز کردن تعاملات بر بستر صوت، یکی از بهترین محیط‌ها برای استفاده افراد با آسیب بینایی به‌شمار می‌رود.

برنامه‌ها و وب‌سایت‌های خاصی برای آشنایی افراد و شکل‌گیری قرار ملاقات وجود دارند که باتوجه‌به ویژگی‌های شخصیتی و محل زندگی شما، افراد مشابه را پیشنهاد می‌کنند و شما پس از دیدن مشخصات آنان می‌توانید به هرکس که جذبتان می‌کند، پیام دهید و گفت‌وگو را آغاز کنید. میزان دسترسی‌پذیری این پلتفرم‌ها متغیر است و با کسب تجربه می‌توانید به آن پی ببرید؛ همچنین پلتفرم‌هایی ویژه آشنایی افراد با آسیب بینایی وجود دارد که با جست‌وجو در اینترنت می‌توانید آن‌ها را پیدا کنید.

در آشنایی مجازی بهتر است چه زمانی به

آسیب بینایی خود اشاره کنم؟

آیا بهتر است در پروفایلم آسیب بینایی‌ام را ذکر کنم؟ آیا بعد از مدتی صحبت کردن به آن بپردازم یا شاید در اولین قرار ملاقات؟ از سویی، ذکر آن در پروفایلتان ممکن است باعث شود در برابر افرادی که سعی در سوءاستفاده

و وقتی کاملاً حاضر شدید، نظر فرد دیگری را در مورد خود جویا شوید.

- مکان مناسبی را برای ملاقات انتخاب کنید. بهتر است قبل از زمان ملاقات، به مکان انتخاب شده بروید، با مسیر آن آشنا شوید و جای دستشویی را برای استفاده احتمالی شناسایی کنید. فراموش نکنید که مهم است مکان انتخابی شما از نظر نور و صدا با میزان بینایی‌تان تناسب داشته باشد. تا جایی که می‌توانید مهارت جهت‌یابی و تحرکتان را تقویت کنید؛ همچنین مکان ملاقات را به طرف مقابل تحمیل نکنید و نظر او را در این خصوص جویا شوید.

کافه‌ها یکی از رایج‌ترین مکان‌هایی است که برای یک قرار چندساعته گزینه مناسبی به حساب می‌آید؛ اما فضای تاریک کافه‌ها حرکت کردن را برای افراد کم‌بینا دشوار می‌سازد، خصوصاً اگر برای اولین بار به آنجا رفته باشید؛ همچنین توجه به زبان بدن فرد مقابل در این شرایط دشوارتر است. پیدا کردن جای مناسب برای نشستن در کافه‌هایی که میزها به هم نزدیک‌اند، از دیگر دشواری‌های این شرایط است. کمک گرفتن از پیشخدمت کافه می‌تواند در این موقعیت مفید باشد.

- در انتخاب مکان، دسترسی به وسایل حمل‌ونقل عمومی را در نظر بگیرید. آیا ایستگاه اتوبوس یا مترو به شما نزدیک است؟ آیا در آن مکان تاکسی‌های اینترنتی خدمات ارائه می‌کنند؟ اگر از اتوبوس یا مترو استفاده می‌کنید، زمان شروع و پایان قرارتان را با زمان‌بندی وسایل نقلیه تطبیق دهید تا برای به‌موقع رسیدن به مشکل برنخورید.

تصمیم بگیرید که چه چیزی بخورید. به این فکر کنید که خوردن چه غذاهایی به‌طور معمول سخت و تمیز خوردن آن‌ها دشوار است. برای مثال ممکن است چلو ماهی به‌خاطر سختی در جدا کردن تیغ‌ها انتخاب مناسبی نباشد؛ اما ساندویچ گزینه بهتری به‌نظر برسد. برای خواندن منوی کافه یا رستوران می‌توانید از نرم‌افزارهایی مثل En- vision یا Sullivan استفاده کنید یا از پیشخدمت بخواهید تا منو را برای شما بخواند؛ همچنین منوی بعضی از کافه‌ها یا رستوران‌ها به‌صورت آنلاین در دسترس قرار دارد.

- از قبل به گفت‌وگوی خود در طول قرار ملاقات بیندیشید. باتوجه به شناخت قبلی‌تان از طرف مقابل، موضوعاتی را که برای هر دوی شما جالب‌اند، انتخاب و در مورد آن‌ها صحبت کنید. شوخ‌طبعی ملایمی را چاشنی گفت‌وگوهایتان کنید؛ البته تا جایی که به لودگی تبدیل نشود.

- اگر طرف مقابل شما آسیب بینایی ندارد، برای صحبت کردن در خصوص آسیب بینایی‌تان آماده باشید. با اعتماد به نفس و دیدگاه مثبت در این مورد صحبت کنید و میزان استقلال خود را به بحث بگذارید. هراندازه با اطمینان بیشتری به این بخش از زندگی‌تان پردازید، طرف مقابل نیز راحت‌تر و آرام‌تر خواهد بود.

برگرفته از [کتابچه راهنمای قرار ملاقات برای آسیب‌دیدگان بینایی و وبسایت VISION AWARE](#)

تازه‌های کتاب صوتی

رقيه شفيعی: کارشناس بخش نابینایان نهاد

کتاب‌خانه‌های عمومی ایلام

در ادامه، فهرستی از جدیدترین کتاب‌هایی که جهت استفاده افراد با آسیب بینایی به زیور صوت آراسته شده‌اند، در موضوعاتی چون سرگذشت، رمان، سفرنامه، روان‌شناسی و... تقدیم اهل مطالعه می‌گردد.



* «گردشگری در دسترس (سازگاری شهری برای گردشگران دارای معلولیت و سالمندان)» نوشته علی عباسی را سازمان فرهنگی تفریحی شهر اصفهان سال ۱۳۹۹ در ۱۸۶ صفحه تقدیم علاقه‌مندان کرده است.

این کتاب که با تأکید بر گردشگران دارای معلولیت و سالمندان نگاشته شده، دسترس‌پذیری گردشگری را در چارچوب مدل‌های نظری، کنوانسیون‌ها و استانداردهای بین‌المللی می‌کاود و با مقایسه تطبیقی اصفهان، بارسلون و کوالالامپور، سعی دارد از وضعیت عامل‌های دسترس‌پذیری، تحلیلی مقایسه‌ای به دست دهد. کتاب در چهار فصل تدوین شده: فصل اول به مبانی نظری و بررسی تاریخی موضوع می‌پردازد. فصل دوم حقوق افراد معلول را موردبررسی قرار می‌دهد و گردشگری در دسترس، زمینه‌های تاریخی و حقوقی حق دسترسی به گردشگری، قوانین و دستورالعمل‌ها را بیان می‌کند. فصل سوم شباهت‌ها و تفاوت‌های گردشگری در دسترس به لحاظ کمی و کیفی در اصفهان، بارسلون و کوالالامپور را موردتوجه قرار می‌دهد. در فصل چهارم

هم مسئله گردشگری در شهر اصفهان را واکاوی می‌کند.

* «الغبا و جنایت» اثر آگاتا کریستی با ترجمه محمد قصاب را نشر مهر سال ۱۳۷۴ در ۲۷۸ صفحه به چاپ رسانده است.

قاتلی زنجیره‌ای سه نفر را در سه شهر مختلف به قتل می‌رساند: «آلیس اشر» در شهر آندور همپشایر، «بتی برنارد» از شهر بکسپیل - ان - هیل و سومین نفر «سرکارمیل کلارک» از شهر چرچستون. قاتل قبل از هر قتل به پوارو نامه می‌دهد و هر بار شخص دیگری را به جای شخص معرفی شده به قتل می‌رساند. در این بین، شخصی هم که گمان می‌رود روانی است، در این رابطه دستگیر می‌شود؛ ولی پوارو معتقد است که وی قاتل نبوده و در نهایت فرد دیگری را دستگیر می‌کند.

* «ذهن زیبا تصمیم‌گیری هوشمندانه در زندگی، کسب‌وکار و کشورداری» نوشته مجتبی لشکر بلوکی و وحید شامخی را نشر رسا سال ۱۳۹۶ در ۲۸۸ صفحه منتشر کرده است.

مطالعه این کتاب، شبیه یک سفر است. سفری به پیچ‌وخم‌های ذهن. اصلاً تابه‌حال می‌دانستید که آگاهی نحسی می‌آورد. دیوارهای ذهنی حتی از دیوارهای فیزیکی بلندترند. ممکن است تحلیل زیاد فلج‌مان کند! بسیاری از تصمیمات ما را مسخ می‌کنند. بدون آنکه بدانیم، خیلی وقت‌ها تصمیماتمان تنها حاصل هفت ثانیه تفکر است و نه بیشتر و... این کتاب در فصول کوتاه تنظیم شده است. به زبانی روان، همراه با تجویزهای راهبردی. در ابتدا «تحلیل هوشمندانه» بررسی می‌شود؛ اینکه چرا و کجا ذهن انسان فریب می‌خورد و چه می‌توان کرد. سپس، راهکارهای گرفتن یک تصمیم

کتاب ماجرای سفر واقعی هنری ورزلی را شرح می‌دهد؛ وی افسر ۵۶ ساله و بازنشسته ارتش بریتانیا است که از او به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین و الهام‌بخش‌ترین کاشفان قطب در طول تاریخ یاد می‌شود. او سه بار به قطب جنوب سفر کرد که این کتاب روایت سفر او در سال ۲۰۱۵ است. روایت مبارزه جسمی و روحی که گاه فراتر از توان بشر است. هر سفر او سرشار از ماجراهای اعجاب‌انگیز است. هنری ورزلی در سرویس ویژه نیروی هوایی ۳ ارتش خدمت می‌کرد که یک واحد کماندویی مشهور بود. او همچنین مجسمه‌ساز، بوکسور، عکاسی که عکس‌های سفرهایش را به‌دقت ثبت می‌کرد، مجموعه‌دار کتاب‌های نایاب و نقشه‌های قدیمی و فسیل، مورخ آماتور و در کل تحت‌تأثیر کاریزمای ارنست شکلتون، از نخستین کاشفان قاره جنوبگان بود.

* «تویی که سرزمینت اینجا نیست» اثر محمدآصف سلطان‌زاده را نشر آگه سال ۱۳۸۷ در ۲۱۶ صفحه روانه بازار کرده است.

کتاب مشتمل بر هشت داستان با عناوینی چون: تویی که سرزمینت اینجا نیست، دیدار به‌قیامت، یکه سرباز، داکتر حسن، کابوس این سال‌ها، عروسی دره قافزار، قصیده جست‌وجو و جانان خرابات است. فضای بیشتر داستان‌های این مجموعه شهرهای جنگ‌زده افغانستان در جریان جنگ‌های داخلی آن کشور است و روایت خون‌بار و وحشتناکی که راوی از آن فضا ارائه می‌کند، سند جامعه‌شناختی مهمی است از وضعیت داخلی افغانستان طی این سال‌ها.

هوشمندانه بیان می‌شود. در ادامه، سرمایه‌گذاری هوشمندانه و اینکه پول، زمان، توان و اعتبارمان را چگونه و کجا خرج کنیم، توضیح داده می‌شود. در پایان زندگی هوشمندانه و اینکه چگونه فردی باهوش‌تر، خوش‌فکرتر و کم‌خطا تر باشیم، شرح داده می‌شود.

* «سفر عشق به سلطان ساوالان» اثر ر. اعتمادی را نشر شادان سال ۱۳۹۷ در ۳۱۰ صفحه روانه بازار کرده است.

عبور از مراحل زندگی برای اهل دل حکایتی است شنیدنی؛ به‌ویژه که سیاق آن مبتنی بر عرفان ایرانی باشد و در قالب قصه‌ای دلنشین و عاشقانه بیان شود. داستان هفت شهر عشق و قصه سیمرغ را بسیاری شنیده‌اند. حالا اما روایتی دیگر و امروزی از این شاهکار قدیم و ادبی را با قلم نویسنده معاصر و محبوب سه نسل می‌خوانیم که بسیاری در چند دهه با سیاق نوشتار او آشنا هستند. نویسنده‌ای که شهره است به توصیف عواطف انسانی با لطیف‌ترین بیان ممکن تا جایی که قصه، خواننده را لحظه‌ای رها نمی‌کند. پس همراه شویم در بیان به‌روز شده از ماجراها و اتفاقاتی که در این قصه بر قهرمان امروزی او گذشته تا سرانجام کار و رسیدن «سی‌مرغ» به «سیمرغ».

* «ظلمات سپید سفر اکتشافی هنری برزلی به قطب جنوب.» تألیف دیوید گرن با ترجمه علی نصراللهی را نشر مهرگان‌خرد سال ۱۳۹۸ در ۹۹ صفحه به چاپ رسانده است.

فیصله‌نیافته با گذشت زمان پیچیده‌تر می‌شود و به‌ندرت پیش می‌آید که فرد بار دیگر در شرایطی قرار گیرد که بتواند آزادانه و برخوردار از مصونیت‌هایی که جامعه برای سوگواران قائل شود، هر اندازه میل دارد مویه کند. هدف این کتاب کمک به دست‌درکاران بهداشت روانی برای بهتر درک کردن پدیدهٔ پیچیده مصیبت‌دیدگی است؛ تا از این رهگذر بتوانند به سوگواران کمک کنند غم خویش را به شیوهٔ سالم پشت‌سر بگذارند.

* «چراغ‌های روشن شهر (خاطرات زهره فرهادی)» به قلم فائزه ساسانی‌خواه را نشر سورهٔ مهر سال ۱۳۹۸ در ۵۴۳ صفحه تقدیم دوستداران کتاب‌های سرگذشت کرده است.

کتاب شرح خاطرات زهره فرهادی از دختران اهل خرمشهر در زمان جنگ ایران و عراق است. آهسته و بی‌صدا از پله‌های آهنی بالا رفتم. از پشت‌بام روی دیوار آشپزخانه رفتم که یک متر کوتاه‌تر از دیوار پشت‌بام بود. از آنجا ارتفاع تقریباً دو متری را پریدم توی کوچه. چادرم خاکی شده بود. تکانش دادم و با سرعت دویدم. با سرعتی تندتر از وقتی که با بچه‌های همسایه و محله مسابقه می‌گذاشتیم و اغلب اوقات برنده می‌شدم. همین‌طور که می‌دویدم برمی‌گشتم. پشت‌سرم را نگاه می‌کردم تا بابا دنبالم نباشد. هیچ‌کس توی محله نبود و هیچ صدایی جز صدای انفجار نمی‌آمد.

شما می‌توانید برای دریافت کتاب‌های این فهرست و سایر کتاب‌های ضبط‌شده، با کارشناسان نابینای نهاد کتابخانه‌های عمومی در سراسر کشور تماس بگیرید.

* «خنده خورشید اشک ماه» اثر رضا جولایی را نشر چشمه سال ۱۴۰۰ در ۳۲۲ صفحه تقدیم رمان‌دوستان کرده است.

کتاب، قصهٔ پرماجرایی سرقت جواهرات، یکی از مهم‌ترین روزهای تاریخ ایران را محور اثر تازه خود کرده است. روز به توپ بستن مجلس به سرکردگی لیاخوف، افسر گارد قزاق. قصهٔ جولایی از این روز، دوم تیر ۱۲۸۷ خورشیدی، آغاز می‌شود؛ یوم‌التوپ. چند دزد اجیر می‌شوند تا از خانه‌ای اشرافی به‌دوراز هیاهوی مرکز شهر یک اتومبیل را بدزدند که در زیرزمین خانهٔ انبوهی شیء گران‌قیمت می‌بایند. آن‌ها بخشی از یک نقشهٔ بسیار عجیب هستند. از سویی کنسولگری‌ها در حال ارسال اخبار نابودی مجلس هستند و روس‌ها سرمست از پیروزی، از سویی دیگر اعدام‌ها آغاز و آدم‌ها پنهان شده‌اند و این سرقت شاید یک اتفاق جزئی باشد؛ اما ... جولایی، با ساختاری معماگونه و گره‌زدن تاریخ رسمی با تاریخ شخصی، یک رمان نفس‌گیر نوشته؛ رمانی که داستان یک زمان گم‌شده است.

* «رنج و التیام در سوگواری و داغ‌دیدگی» نوشته ج. ویلیام وردن با ترجمهٔ محمد قائد را انتشارات فرهنگ نشر نو سال ۱۴۰۰ در ۲۹۳ صفحه منتشر کرده است.

گاه این سؤال پیش می‌آید که در یک ضایعه، کدام فرد بیشترین ضربه را خورده است؟ گاه سوگواری به دلایل متعدد ناتمام می‌ماند. تجربه نشان داده که ماتم

یادی از بنیان‌گذار تعلیم و تربیت نوین نابینایان در ایران، مرحوم دکتر حسن علوی چشم‌پزشک



**یدالله فرزین ستوده؛ دبیر
بازنشسته آموزش و پرورش**

قریب صدسال از ورود خط بریل توسط یک کشیش آلمانی به نام کریستوفل به ایران می‌گذرد. او کار خود را در تبریز شروع کرد. به کمک چند ایرانی برای الفبای فارسی، علائمی وضع کرد و آن را به ثبت رساند. سپس کار خود را به اصفهان منتقل کرد و تا پایان عمر در آنجا فعالیت خود را ادامه داد. اشرف پهلوی پس از مدرسه او، خواست در تهران هم مدرسه‌ای برای نابینایان تأسیس کند. این مدرسه در سال ۱۳۲۹ شروع به کار کرد و در سال ۱۳۴۰ به کار خود خاتمه داد. این بود خلاصه‌ای از ورود خط بریل به ایران.

دکتر حسن علوی که بود؟

دکتر حسن علوی، متولد ۱۲۹۲ در تهران، دو تخصص چشم‌پزشکی و گوش و حلق و بینی را از انگلستان دریافت کرده بود. در اواخر سلطنت رضاخان یا اوایل محمدرضا به ایران برگشت و کار خود را شروع کرد. او در مشاغل و جایگاه‌های بسیاری از جمله چشم‌پزشک دربار، سناتور مجلس، استاد دانشگاه و رئیس بخش چشم‌پزشکی بیمارستان امیراعلم فعالیت کرده بود. او ضمناً در بیمارستان خصوصی آبان نیز فعالیت می‌کرد. وقتی نبود مدرسه را احساس کرد، با پایمردی تصمیم گرفت آموزشگاه مناسبی برای نابینایان بسازد. از سال ۱۳۳۸ شروع به فراهم آوردن وسایل مورد نیاز کرد. زمینی در سرخه حصار تهران به او اهدا شد؛ ولی نپسندید. سپس از طرف اقوامش زمینی به مساحت تقریبی ۱۸۰۰۰

مترمربع در اوایل جاده کن دریافت کرد؛ البته این را فقط برای استفاده نابینایان وقف کرده بودند که متأسفانه بعد از انقلاب به خواسته وقف‌کنندگان عمل نشد.

به هر حال آموزشگاه نابینایان رضا پهلوی در ۲۷ مهر ۱۳۴۳ رسماً کار خود را شروع کرد. آموزشگاه شروع بسیار خوبی داشت؛ اما متأسفانه پیشرفتی را که دکتر علوی انتظار داشت، به گفته خودش به نتیجه نرسید؛ چون به قول‌ها و قسم‌هایی که به

او داده بودند، عمل نکردند که مطرح‌کردنش از حوصله این نوشته خارج است. این آموزشگاه به صورت هیئت‌امنایی و هیئت‌مدیره‌ای اداره می‌شد. بودجه این مدرسه را دکتر علوی از طریق دوستان و آشنایانش تأمین می‌کرد. به گفته خودش چهل هزار تومان از بودجه شخصی خودش در سال ۱۳۴۳ هزینه کرد که آن زمان مبلغ قابل توجهی به حساب می‌آمد. او توانست کد بودجه از مجلس دریافت کند؛ اما مدیر وقت بعد از انقلاب، بودجه را کم کرد و بعد از مدتی اولین رئیس آموزش و پرورش استثنایی بودجه مذکور را به این سازمان اختصاص داد. با کمک او و دیگران در سال ۱۳۴۷ تربیت‌معلم دانش‌آموزان استثنایی شروع به کار کرد و سال بعد، دفتر برنامه‌ریزی کودکان و دانش‌آموزان استثنایی کار خود را شروع کرد.

متأسفانه دکتر علوی هم مثل میرزا حسن رشیدی، بنیان‌گذار آموزش و پرورش نوین، به بخته فراموشی سپرده شد. یاد و نامش گرامی.

چرا دکتر علوی به فکر تأسیس چنین آموزشگاهی افتاد؟

روزی او برای بازدید از مدرسه نابینایان به خیابان ری رفت. وضع ظاهری نابینایان او را متأسف کرد و تصمیم گرفت مدرسه‌ای به شیوه جدید برای نابینایان بسازد. با کمک

من تشنه‌ام

موسی عصمتی:
شاعر نابینا
برای معلمان و وطنم



از زنگ اولی که نشستیم در این کلاس
گل بود و سبزه بود و خدا با کمی سپاس
در دفترم هنوز، مدادی نمی‌دوید
در شاخ‌وبرگ باغچه بادی نمی‌دوید
من بودم و شکسته‌ترین مدادها
خطی سفید و خسته‌ترین مدادها
وقتی که گرگ‌ها همگی هم‌قسم شدند
همدست روزهای پر از درد و غم شدند
دهقان چشم‌های تو آمد به داد من
آخر صدای پای تو آمد به داد من
من مولوی‌ترین غزل ماجرا شدم
در بلخ چشم‌های تو آخر رها شدم
ای کاش باز رودکی‌ام را غزل کنی
دوران پاک کودکی‌ام را غزل کنی
من تشنه‌ام که فصل بهاری بیاوری
سارتر از همیشه اناری بیاوری
از تخته‌های سبز و سیاهی که روبه‌روست
باران و برف و پنجره، باری بیاوری
حتی برای ریز علی‌های خسته‌مان
از ریل‌های دور قطاری بیاوری
بر تک‌درخت تشنه این دشت ناگزیر
یک استکان صدای قناری بیاوری
از دود و از روایت آهن دلم گرفت
ای کاش باز اسب و سواری بیاوری
از جام و از هزار اساطیر این دیار
من تشنه‌ام که چنگ و دوتاری بیاوری
چیزی شبیه کودکی‌ام در کلاس‌ها
از این قبیل باز نداری، بیاوری؟
ای شمس، حال مولوی‌ام را غزل بده
تکبیت‌های مثنوی‌ام را غزل بده
من تشنه‌ام که فصل بهاری بیاوری
سارتر از همیشه اناری بیاوری

دوستانش بودجه‌ای فراهم آورد. در سال ۱۳۴۰ کلنگ مدرسه توسط خود او به زمین خورد. در ضمن دو نفر به نام‌های آقایان مینایی و بقایی را به انگلستان فرستاد تا اصول آموزش و پرورش آسیب‌دیدگان بینایی را فرابگیرند. آموزشگاه نابینایان پسران سرانجام در نوزدهم اردیبهشت ۱۳۴۳ کار آزمایشی خود را به مدت یک ماه شروع کرد. در این مدت گروهی با سرویس به آموزشگاه می‌آمدند و ظهر برمی‌گشتند.

چرا نام آموزشگاه را رضا پهلوی گذاشتند؟

به گفته دکتر علوی، به خاطر اینکه زمین خارج از محدوده بود، آن را به این نام نامیدند تا بتوانند آن را تأسیس کنند. آموزشگاه شروع خوبی داشت؛ اما آنچه دکتر علوی می‌خواست، ادامه پیدا نکرد. آموزشگاه با سه گروه کارش را شروع کرد: گروه اول دانش‌آموزان شبانه‌روزی که خیلی مرتب اداره می‌شد. گروه دوم دانش‌آموزان روزانه که دبیرستانی بودند و گروه سوم که اصطلاحاً کارگاهی نامیده می‌شدند. این افراد بزرگسال بودند و حرفه و سوادآموزی داشتند. قسمت دختران در سال ۱۳۴۵ شروع به کار کرد و در سال ۱۳۵۹ به پاسداران منتقل شد. مدرسه‌ای که با نام «رضا پهلوی» تأسیس شده بود، بعد از انقلاب به علوی تغییر نام پیدا کرد و سپس به مجتمع آموزشی نابینایان شهید محبی تغییر نام داد. این بود خلاصه‌ای از سرگذشت آموزشگاه. ان شاءالله دیگران به‌طور مفصل ادامه دهند.

به قول حافظ

صالح و طالح متاع خویش نمودند
تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

نقدی مغرضانه بر میزان

شایسته‌سالاری در جامعه نابینایان

یخ نکنی نمکدون!

ما این بار آمدم تا برایتان توضیح دهیم که آیا شایسته‌سالاری در جامعه نابینایان رعایت می‌شود یا خیر. از آنجاکه در تمام ارکان ریزودرشت مملکتان شایسته‌سالاری به‌طور کامل رعایت شده و فقط ماندم ما نابینایان، نظرات سراسر کارشناسی خود را برایتان بیان می‌کنیم.

از نظر ما اتفاقاً شایسته‌سالاری در بین نابینایان به‌شدت رعایت شده. برای روشن‌تر شدن موضوع، مثالی برایتان می‌آوریم. برای بررسی میزان مناسب‌سازی مبلمان شهری، در ظاهر باید کسانی به‌عنوان کارشناس این کار را انجام دهند که به‌عنوان یک نابینای مستقل بین هم‌نوعانشان شناخته شده باشند و بتوانند به‌طور مستقل در سطح شهر رفت‌وآمد کنند. خب این افراد همین حالا هم دارند این کار را انجام می‌دهند. فوقش کمی باید مثل دندهٔ پیکان که قلق داشت، قلق حرکت در معابر موردنظرشان را به‌دست آورند و دیگر کار تمام است. پس این افراد در بررسی میزان مناسب‌سازی سخت‌گیری کافی را ندارند؛ پس بهترین راهکار این است که کسانی برای این کار انتخاب شوند که در این زمینه حساسیت بیشتری داشته باشند که اتفاقاً هم چنین است. طبق گزارش‌های رسیده، دوستانمان در حالی برای بررسی در محل حاضر می‌شوند که دو همراه از دو بازو ایشان را گرفته و راهنمایی می‌کنند. زمانی هم که به پله‌ای چیزی می‌رسند، به‌آهستگی ابتدا یک پا و سپس پای دیگر کارشناس محترم را از پله عبور داده و به‌سلامتی از مانع عبورش می‌دهند. در پایان هم اگر ایشان به سلامت

مسیر را طی کنند و دوستان راهنماییشان زیاد اذیت نشوند، مناسب‌سازی آن مسیر را تأیید می‌کنند. در اینجا ملاک این نیست که دوستان در آن مسیر به راهنمایی احتیاج نداشته باشد. ملاک در واقع کمتر اذیت‌شدن دوستان راهنمای ایشان است؛ پس اگر امثال این دوست کارشناسمان بتوانند از این مسیر به سلامت بگذرند، دیگر نابینایان هم می‌توانند؛ پس به همین سادگی به شما ثابت شد که در این زمینه شایسته‌سالاری به‌خوبی و درستی رعایت شده است.

یکی دیگر از نقدهایی که دوستان وارد کرده‌اند، این است که افراد شایسته‌ای برای حضور در جلسات و همایش‌ها حضور پیدا نمی‌کنند. اتفاقاً در اینجا هم نظر بنده مخالف است. فرض کنید همان دوست نابینایمان که برای بررسی مناسب‌سازی تشریف برده بودند، با همان دو راهنمای سمت چپ و راستشان وارد جلسه شوند. ابتدا باید ایشان را به‌آرامی به‌سمت صندلی هدایت کنند و ایشان را به‌آرامی روی آن بنشانند؛ سپس خودشان در دو سمت ایشان مستقر شده و تمام آنچه روی میز جهت پذیرایی موجود است، برای نوش جان کردن ایشان آماده کنند. میوه‌ها را پوست گرفته و خرد کنند، چای را برایشان فوت نموده و سرد کنند، شکلات را از بسته‌بندی خارج کرده و در دهان ایشان قرار دهند و خلاصه نگذارند که به دوستان بد بگذرد. زمانی هم که نوبت ایشان شد تا صحبت کند، مطالب را از دو طرف به ایشان یادآوری کنند که خدای نکرده چیزی از قلم نیفتد. اگر هم ناهار یا شامی در کار بود و از بد حادثه غذای بدقلقی هم باید صرف شود، همراهان ایشان باید غذا را آماده‌شده، خردشده و بدون مشکل در اختیارشان قرار دهند که بدون دغدغه آن را میل کنند. در اینجا از منتقدان ایشان می‌پرسیم که مگر بقیه چه می‌کنند که ایشان انجام

ورزشکاران هستند. اگر در بین این‌همه مسئول با این شرایط ما یک نفر با اندام ورزیده و آگاه به مسائل روز مدیریت ورزش را داشته باشیم، هماهنگی میان مدیران ورزش کشور را بر هم می‌زنیم و باعث اختلال در نظام مدیریت ورزش کشورمان می‌شویم. ضمن اینکه دوستان هم بعد از مدتی مجبور می‌شود بابت رفع برخی مسائل به هم‌نوعان مشاورمان مراجعه کند؛ پس به همین سادگی به شما ثابت کردیم که در ورزش نابینایان هم اصل شایسته‌سالاری به‌خوبی و درستی رعایت شده است.

نتیجه‌ای که در پایان می‌توان گرفت این است که در جامعه نابینایان شایسته‌سالاری به‌خوبی رعایت شده. تنها یکی دو نفر از دوستان ما شایسته هستند و در اکثر حوزه‌ها حضور مؤثر داشته و باعث پیشرفت نابینایان می‌شوند. این مدیرمسئول و سردبیر ما چون خودشان هیچ سمتی ندارند، از سر حسادت قصد گیردادن به دوستان شایسته و زحمتکش ما را داشتند که بنده با درایت خود این توطئه را با اقتدار برملا کرده و به دوستانمان این اطمینان را می‌دهیم که از این‌پس توپ هم تکانشان نمی‌دهد؛ چون توپ هم به‌هرحال توانی دارد. چیز یعنی منظورمان این بود که شما کارتان درست است.

در پایان برای دوستانمان در مسئولیت‌هایشان آرزوی موفقیت داریم و بابت زحماتی که می‌کشند از ایشان تشکر می‌کنیم. فقط عزیزانمان به ما قول‌هایی داده بودند که احتمالاً به‌خاطر مشغله زیاد یادشان رفته. ما همین‌جا از ایشان خواهش داریم که به قول‌هایشان پایبند باشند تا بتوانیم نظرات کارشناسی خود را به‌درستی بیان کنیم. وگرنه مجبور می‌شویم به پیشنهادهای جناب مدیرمسئول و جناب سردبیر بیشتر فکر کنیم.

نمی‌دهند؟ بقیه هم انگیزه اول و آخرشان برای حضور در چنین جلسات و نشست‌هایی خوراکی‌ها و ناهار و شامشان است. هیچ صحبت کارشناسی هم نمی‌کنند و تازه از روی برگه هم می‌خوانند و حرف می‌زنند؛ پس اگر کسی را به این‌طور فضاها بفرستیم که به کارش وارد باشد و واقعاً به‌قصد مفیدبودن آنجا رفته باشد و مستقل هم باشد، ممکن است به مشکل خورده و بعد از مدتی مجبور شود به دوستان هم‌نوع مشاورمان مراجعه کند؛ پس در اینجا هم به شما ثابت کردیم که شایسته‌سالاری به‌خوبی رعایت شده.

اگر سری هم به ورزش نابینایان بزنیم، می‌بینیم که آنجا هم به‌خوبی

شایسته‌سالاری رعایت شده و مدیران بسیار خوش‌استیلی ورزش نابینایان را مدیریت می‌کنند. حالا ممکن است که



برخی از دوستان کمی اضافه‌وزن داشته باشند. اولاً که شاید این دوستان بدن‌های توپر داشته باشند یا اینکه استخوان‌بندی ایشان درشت باشد. اگر هم روی صندلی‌شان جا نمی‌شوند یا خدای‌نکرده صندلی‌شان می‌شکند، به‌خاطر بی‌کیفیت‌شدن صندلی‌های جدید است؛ حتی اگر برخی از این دوستان ورزشکار هم نباشند؛ اما قطعاً ورزشکاران را دوست دارند. وگرنه آنجا چه می‌کنند؟ ضمن اینکه اگر ایشان را با مسئولین سایر رشته‌های ورزشی مقایسه کنیم، می‌بینیم که کاملاً با هم هماهنگ هستند و اگر در یکجا جمع شوند همگی به هم می‌آیند. چراکه مسئولان دیگر رشته‌ها هم دارای بدن‌های توپر و استخوان‌بندی درشت و دوستدار



خدمات کارت
مجری خدمات پرداخت الکترونیک



برجسته نگار هوشمند همراه، تولید شرکت پکتوس



صاحب امتیاز: انجمن نابینایان ایران

وبسایت: www.naslemana.com / ایمیل: info@naslemana.com

اینستاگرام: [@naslemana](https://www.instagram.com/naslemana) / تلگرام: [@naslemana](https://www.telegram.com/@naslemana) / واتساپ: +۹۸ ۹۱۲۷۲۷۷۵۵۳

شماره تماس: ۰۲۱-۲۲۵۶۰۲۵۵ / سامانه پیامکی: ۵۰۰۰۲۲۲۲۲۶